

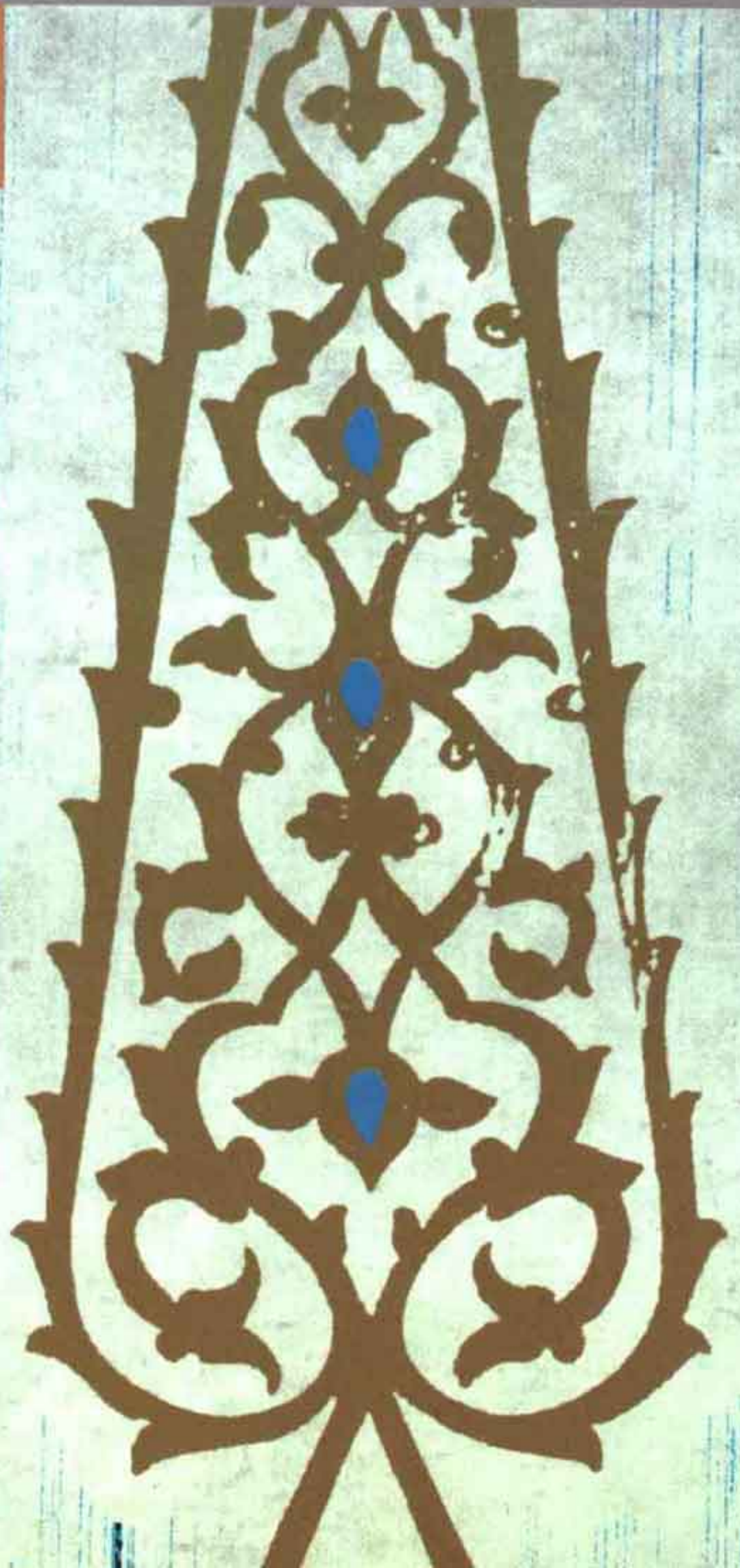
نزدبانان آسمان

درس‌نامه‌ی انتظار امام عصر (عج)

محمد صادق منتظری

۳

مجموعه
کتاب‌های
ابروآفتاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منتظری، محمد صادق، ۱۳۵۲
تربیان آسمان؛ درس نامه‌ی انتظار امام عصر (عج)
محمد صادق منتظری؛ تهیه مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان.
قم؛ بقیه العزود، ۱۳۸۹.

۱۰۴ ص. . مجموعه کتاب های ابر و افتاب (۲)
۲۰۰۰۰ ریال:

ISBN:978-964-162-086-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات غیبی.

کتاب نامه به صورت زیر نویسی.

۱. مهدویت - انتظار، ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ۱۵۵۲
الف. دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در اتحادیه‌ی انجمن های اسلامی
ناش آموزان، مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان، پ. مکتوبان، تهران، شورای آموزش نامه‌ی
انتظار امام عصر (عج).

۴ ن ۵۸ / ۲ / ۲۲۲ BP

۲۹۷ / ۲۶۲۲

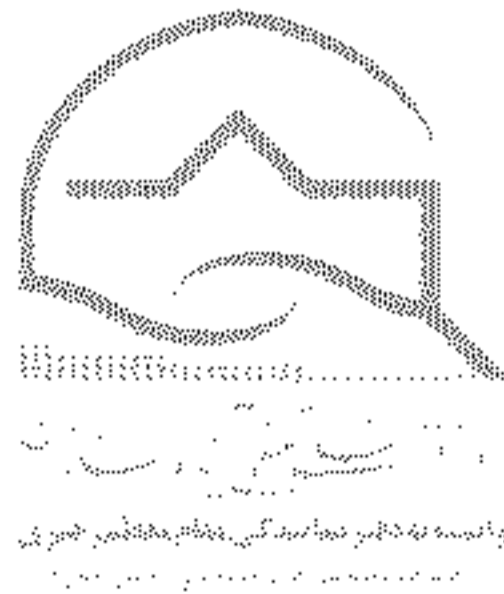
نزدیکان الهام

درس‌نامه‌ی انتظار امام عصر (عج)

مجموعه
کتاب‌های
ابرو آفتاب

عنوان: نوردبان آسمان
درس نامہ: انتظار امام عصر (عج)
نویسنده: محمد صادق منتظری
تہیہ: مرکز فرهنگی تبلیغی آئندہ سازان
ناشر: بقیۃ العترة
ویرایش کر: محمد باقر وزیر زاده
طراح جلد: محمد جواد زہادت
تویٹ چاپ: اول ربیعہ ۸۹
شمسارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

مرکز فرهنگی تبلیغی آئندہ سازان
آدرس: قم / خیابان شہید فاطمی
(دور شہر) / کوی ۱۵ / پلاک ۱۵
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۱۲۴۷/۷۸۳۱۲۱۲
دورنگار: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۳۱۰
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۵۵۲۳۳



فهرست

۹	پیش درآمد.....
۱۱	طلیعه.....
۱۳	درس اول: چشم‌های منتظر.....
۱۵	یک تجربه درونی.....
۱۶	یک مفهوم، سه پایه.....
۱۷	غریب و آشنا.....
۱۸	باتلاق بی خبری.....
۱۹	تنها گره‌گشا.....
۲۱	خودآزمایی.....
۲۱	برای مطالعه بیشتر.....
۲۳	درس دوم: انتظار خیالی.....
۲۵	سرآغاز.....
۲۶	گوشه‌نشینی.....
۲۸	نقدی بر احتراز.....
۳۱	ریشه‌یابی تاریخی تفکر احتراز.....
۳۳	خودآزمایی.....
۳۳	برای مطالعه بیشتر.....
۳۵	درس سوم: انتظار ناقص.....
۳۷	انتظار یعنی اعتراض!.....
۳۹	داستان ابراهیم علیه السلام.....
۴۱	خودآزمایی.....
۴۱	برای مطالعه بیشتر.....
۴۳	درس چهارم: انسان و انتظار.....
۴۵	یک منشور چندبعدی.....

۴۸	انتظار یعنی
۵۰	یک منتظر واقعی
۵۳	خودآزمایی
۵۳	برای مطالعه بیشتر
۵۵	درس پنجم: از انتظار تا اضطرار
۵۷	انتظار یعنی
۵۷	دعای غریق
۵۹	تردید بلای آخرالزمان
۵۹	خصوصیت مضطران به ولیّ خدا
۶۲	خودآزمایی
۶۲	برای مطالعه بیشتر
۶۳	درس ششم: از انتظار تا حرکت
۶۵	سرآغاز
۶۵	یک تغییر عجیب
۶۵	انتظار یعنی
۶۶	نقطه آغازین انتظار
۶۸	مشتاقان ظهور
۷۲	خودآزمایی
۷۲	برای مطالعه بیشتر
۷۳	درس هفتم: انتظار و سازندگی
۷۵	سرآغاز
۷۵	انواع حرکت‌های اصلاحی
۷۵	نوع اول: سازندگی اخلاقی
۷۷	داستان عبدالحسین
۷۹	نوع دوم: سازندگی فرهنگی و علمی
۸۰	شاگرد انیشتین
۸۲	نوع سوم: سازندگی ایمان جامعه
۸۳	داستان شیخ

۷ / فهرست □

- خودآزمایی ۸۶
- برای مطالعه بیشتر ۸۶
- درس هشتم: جامعه منتظر ۸۷
- سرآغاز ۸۹
- شاخصه‌های جامعه منتظر ۸۹
- شاخصه اول: فرصت‌ساز ۸۹
- شاخصه دوم: تلاش و پویایی ۹۰
- شاخصه سوم: آمادگی ۹۱
- شاخصه چهارم: امیدوار ۹۳
- خودآزمایی ۹۵
- برای مطالعه بیشتر ۹۵
- درس نهم: افراطها و تفریطها ۹۷
- سرآغاز ۹۹
- آسیب‌شناسی‌های انتظار ۹۹
- آسیب اول: خواب‌زدگی ۹۹
- آسیب دوم: تشرف‌زدگی ۱۰۰
- آسیب سوم: عاطفه‌زدگی ۱۰۱
- آسیب چهارم: پیش‌گویی وقت‌ظهور ۱۰۲
- خودآزمایی ۱۰۴
- برای مطالعه بیشتر ۱۰۴

پیش‌درآمد

مهدویت و نیاز به منجی ملموس‌ترین موضوع زندگی بشر امروز است. امید به نجات و رهایی از اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، جنگ‌ها، استعمار نوین و... وجه مشترک انسان هزاره سوم می‌باشد. گرایش اقوام و ملل به موعود آخرالزمان سوالات بسیاری را در ذهن‌ها طرح کرده است. تفکر در این پرسش‌ها مبدأ حرکتی مبارک در زندگی انسان است.

پرسش از مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان جوانان و نوجوانان دلیل بر آگاهی، رشد و عمق روحی ایشان می‌باشد. در پاسخ به پرسش جوانان و نوجوانان در این عرصه لزوم نگاه کاربردی و تفکر محور در موضوع مهدویت احساس می‌شود.

معاونت پژوهش مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان بر آن شد تا با کنکاش در سوالات و دغدغه‌های مهدوی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، به بازکاوی در موضوعات مهدوی بپردازد. مجموعه کتاب‌های ابر و آفتاب شامل شش اثر در موضوع مهدویت است که محصول تلاش پژوهشگران این مرکز می‌باشد. این کتاب‌ها که در قالب درسنامه تألیف شده‌اند، عبارتند از:

۱. آرزویی برای همه، درسنامه منجی‌باوری در ادیان و آیین‌ها، مؤلف: محمدصادق منتظری، با همکاری امیرمحسن عرفان.
۲. پله اول آسمان، درسنامه معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: حمیدرضا اسلامیه.
۳. روزهای ابری، درسنامه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف،

□ نردبان آسمان / ۱۰

مؤلف: حامد وحیدی.

۴. نردبان آسمان، درسنامهٔ انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف،
مؤلف: محمدصادق منتظری.

۵. مردان راه، درسنامهٔ ارتباط منتظر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه
الشریف، مؤلف: سید محمد افشین فر.

۶. دولت خدا، درسنامهٔ پیامدهای جهانی‌سازی و ضرورت تشکیل
حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: امیرمحسن
عرفان.

در پایان از کلیهٔ پژوهشگران و دست‌اندرکاران تدوین و آماده‌سازی،
چاپ و نشر این اثر تشکر و قدردانی می‌شود.

مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان

فروردین ۸۹

طلیعه

ترنم جان‌افزای انتظار، روح‌های جامانده در وادی فراق را امیدوار و پاینده می‌سازد. امروز دیدار موعود، آرمانی است که سرتاسر هستی را فرا گرفته است. اضطرار به ولی خدا در جای‌جای زندگی بشر امروز هویدا است.

«نردبان آسمان» بر آن است تا با نگاهی تازه به موضوع انتظار، لحظاتی را با خواننده خویش به گفتگو بنشیند. تعریف انتظار، انتظار حقیقی، انتظار خیالی و نقد آن، مؤلفه‌های جامعه منتظر، آثار انتظار در زندگی انسان و آسیب‌شناسی انتظار از جمله مطالبی است که در این اثر به آن پرداخته شده است.

درس اول

چشم‌های منتظر

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- معنای انتظار
- پایه‌های انتظار
- عوامل تحقق انتظار

یک تجربه درونی

پرده اول:

تو حرف من را درک نمی کنی، گرفتاری من را نمی فهمی. تا حالا شده صاحب‌خانه بیاید بالای سرت و هوار بکشد و ابرویت را جلوی در و همسایه ببرد؟ تا حالا عرق شرم روی پیشانیت نشسته؟ اصلاً می‌دانی شرمندگی کیلویی چند است؟!

پرده دوم:

فرزند به سفر می‌رود. پدر از فرزند بی‌خبر است. چند سالی است که پدر بی‌تابی می‌کند... . امروز پستیچی نامه‌ای را در خانه آورد. دل پدر با خواندن نامه لرزید. برای دیدن جگرگوشه‌اش لحظه‌شماری می‌کند؛ سر تا ته کوچه را آب‌وجارو می‌زند؛ دل شوره گرفته است، اما دیگران پدر را با خیال راحت همراهی می‌کنند. کسی حال پدر را نمی‌فهمد.

پرده سوم:

همه می‌خندند. آخر شب عروسی است. اما عروس بینوا غم‌باد گرفته است. بغض در گلویش لق می‌زند. اشک امانش را بریده است. هیچ چیز جای خالی مادر را پر نمی‌کند. عروس دل‌تنگ مادر است. دخترک اشک فراق می‌ریزد.

جناب دهخدا و دیگران روز و شب خاک کتابخانه‌ها را نوش جان کردند تا معانی الفاظ و اشیاء و پدیده‌ها را در لغت‌نامه‌ها جمع‌آوری کنند. اما حیف که بعضی از لغت‌نامه‌ها قدرت ارائه تصویر روشنی از بعضی مفاهیم را ندارند. آدمی باید نسبت به این مفاهیم، تجربه‌ای درونی داشته باشد تا بتواند آن مفهوم را درک کند. درد، شادی، غم، شرمندگی، دلشورگی، فراق و ... از جمله مفاهیم درونی هستند. دردمندان و غم‌گساران به طور کامل با مفهوم درد و غم آشنا نیستند، اما دیگران تنها تصویر مبهمی از این مفاهیم را می‌توانند در ذهن خود تصور کنند. به چنین مفاهیمی مفاهیم وجدانی می‌گویند. در برابر مفاهیم وجدانی مفاهیم غیروجدانی قرار دارد که این مفاهیم با چینش الفاظ و کلمات قابل تصور می‌باشند. شیئی مانند سنگ، آسمان، زمین و ... با لفظ سنگ، آسمان و زمین و ... قابل فهم است.

یک مفهوم، سه پایه

اولی: پایش را روی پایش انداخته است. او طوری بر روی صندلی لم داده که گویا در کافی‌شاپ، قهوه هورت می‌کشد. او در کلاس درس نشسته است، اما اثری از درس و کلاس در او یافت نمی‌شود!

دومی: جزواتش را مرتب می‌کند. کمی درس‌ها را در ذهن و دلش مرور می‌نماید. کتاب را ورق می‌زند. تحقیقاتش را واری می‌کند، ... او مهبای درس است. او در انتظار ورود استاد لحظه‌شماری می‌کند.

انتظار در لغت به معنای «چشم به راه بودن»^۱ است. انتظار یک مفهوم

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه انتظار.

وجدانی می‌باشد؛^۱ یعنی معنای این کلمه فقط برای شخص منتظر، روشن و آشکار می‌شود. اندیشمندان انتظار را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«معنای انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن، آماده شدن برای پدیده‌ای که در انتظارش هستی، برمی‌آید... پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می‌شود.»^۲

بر اساس تعریف فوق انتظار سه پایه دارد:

پایه اول: شخص منتظر

پایه دوم: پدیده‌ای که منتظر، آن را انتظار می‌کشد. (منتظر)

پایه سوم: آمادگی

آمادگی، جزء جدایی‌ناپذیر انتظار است. آن کس که انتظار نمی‌کشد، برای چه پدیده‌ای خود را مهیا می‌سازد؟! آن کس که در انتظار مهمان لحظه‌شماری می‌کند، خانه خویش را از قبل آب‌وجارو می‌زند و خود را مهیای مهمان می‌سازد.

نوع آمادگی با پدیده مورد انتظار تناسب دارد. آن کس که در انتظار استاد در کلاس درس می‌نشیند، با مطالعه و تحقیق، خود را مهیای علم‌آموزی می‌نماید. کسی که در انتظار انجام مسابقه ورزشی لحظه‌شماری می‌کند، از قبل با نرمش و ... بدن خود را مهیای ورزش می‌نماید.

غریب و آشنا

پرده اول:

مجید آدم خوبی است مثل تمام آدم‌های کاردرست دنیا. همسایه‌ها او را می‌شناسند. همه او را دوست دارند. با او چاق‌سلامتی می‌کنند. اما به

۱. سید محمد بنی‌هاشمی، سلوک منتظران، ص ۳۳.

۲. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲.

خاطر دیر یا زود آمدنش این‌پا و آن‌پا نمی‌کنند.

پردهٔ دوّم:

تازگی‌ها همسایه‌ها فهمیده‌اند که مجید جراح چیره‌دستی است. تازه همه به یاد دردهایشان افتاده‌اند. همگی صف کشیده‌اند در خانهٔ دکتر مجید تا آقای دکتر گره از بیماری‌شان بگشاید.

حوادث و جریان‌ها و موجودات عالم در ارتباط با آدمی بر دو نوع می‌باشند. برخی از آنها در منظر انسان، ناشناخته هستند، اما برخی دیگر شناخته شده‌اند. «انسان تنها انتظار کسی یا چیزی را می‌کشد که اولاً او را بشناسد و ثانیاً برای آدمی کارگشا باشد.»^۱ شناخت انسان نسبت به موجودات و کارگشا بودن آن موجودات، دو عامل مهم در تحقق انتظار است. هر قدر معرفت آدمی نسبت به ابعاد وجودی یک موجود بیشتر باشد، میزان کارایی آن برای آدمی ملموس‌تر خواهد بود. به هر میزان موجود مورد نظر نسبت به احتیاجات روحی، جسمی و فکری آدمی کارگشاتر باشد، میزان علاقه و تعلق خاطر انسان نسبت به آن بیشتر خواهد بود.

باتلاق بی‌خبری

انسان‌های عصر غیبت یا در زمرهٔ منتظران منجی هستند یا منتظر آن وجود مبارک نمی‌باشند. آنان که انتظار را نمی‌شناسند، به یار غایب معرفت ندارند و در وادی حیرانی سیر می‌کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. آیت الله جوادی آملی، موجود موعود، ص ۱۶۷.

«مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيَّةً جَاهِلِيَّةً»^۱

آن کس که بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

نکته یک: از آنجا که مرگ، انتقال حیات (به سرایی دیگر) است، پس هر کس آنچنان می‌میرد که زیسته است.

نکته دو: آن کس که به مرگ جاهلی مرده است، پس زندگی جاهلانهای داشته است.

نکته سه: آن کس که امام را نشناسد، به او تعلق خاطر ندارد. پس اهمیت او را در زندگی نمی‌داند و جایگاه امام علیه السلام را در زندگی نمی‌شناسد.

نکته چهار: آن کس که پی به گره‌گشایی امام نبرد، تأثیر وی را در زندگی درک نمی‌کند. او نمی‌داند که امام، گره‌گشای نیازهای فکری، عاطفی و رفتاری بشر است. او زندگی خویش را در تار و پود مشکلات گره می‌زند و هر روز و هر لحظه در باتلاق عفونت و مرگ فرو می‌رود و این در حالی است که نسخه شفا بخش زندگی بشر در همین نزدیکی است.

تنها گره‌گشا

هر قدر معرفت انسان نسبت به ابعاد وجودی امام بیشتر باشد، نیاز حیاتی او نسبت به امام مشخص‌تر می‌شود. او با باوری از عمق جان می‌داند که اندیشه، عاطفه و اقدام آدمی با هستی امام جان می‌گیرد و عالم با وجود حضرت پویا می‌شود.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۱.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»^۱

اگر زمین بدون امام باقی می‌ماند، به‌تحقیق فرو می‌ریخت.

نکته یک: مدیریت و هدایت عالم با امام است.

نکته دو: اندیشه‌ها، احساسها و اقدامهای آدمی با مدیریت امام به

سرانجام می‌رسد.

نکته سه: ناهنجاری‌های رفتاری، افسردگی‌های اجتماعی، ظلم و

استبداد و ... به علت فراموشی بشر و یا بدفهمی آدمی نسبت به جایگاه

امام می‌باشد. اگر ولایت امام در وجود انسان گم شود، فکر انسان به

فرسایش می‌افتد، عاطفه او به افراط و تفریط کشیده می‌شود و رفتارش

لجام‌گسیخته می‌شود و آنگاه است که آدمی فرو می‌ریزد.

انتظار زمانی تحقق می‌یابد که بشر امروز نسبت به امام معرفت پیدا

کند و نیاز به امام را از عمق جان احساس نماید. بداند تنها اوست که

می‌تواند گره‌گشای دردهای بشر باشد. در این صورت است که انتظار،

حرکت‌آفرین می‌شود. آدمی خود را مهیا می‌کند و جسم و روح خویش را

آماده حرکت عظیمی می‌نماید.

خودآزمایی

۱. آیا انتظار از نظر لغوی قابل تعریف است؟
۲. مهیا شدن یعنی چه؟
۳. عوامل تحقق انتظار کدام‌اند؟
۴. اگر بشر امروز منتظر است، پس چرا در باتلاق ناهنجاری‌ها و افسردگی‌ها و ... فرو رفته است؟
۵. رابطه بین معرفت، گره‌گشایی امام و انتظار را بیان کنید؟

برای مطالعه بیشتر

– انتظار، بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیع‌ی سروستانی، مؤسسه موعود عصر، تهران.

درس دوم

انتظار خیالی

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- برداشتهای اشتباه از مفهوم انتظار

- بررسی نظریهٔ احتراز

- نقد نظریهٔ احتراز

- ریشه‌های تاریخی نظریهٔ احتراز

سر آغاز

اولی: آهسته می‌رود و آهسته می‌آید تا نکند گوشهٔ لباسش چروک بردارد و خاطرش مکدر شود. او از دور، دستی بر آتش دارد. می‌ترسد خاکستر آتش زندگی‌اش را خراب کند.

دومی: سرش درد می‌کند برای دردسر، از کز کردن بدش می‌آید؛ از گوشه‌گیری متنفر است.

سومی: دم‌دمی‌مزاج است؛ گاهی خواب است و گاهی بیدار. گاهی خوب است و گاهی بد. بعضی وقت‌ها آنقدر تند می‌دود که هیچ کس جلودارش نیست و بعضی وقت‌ها هم خمیازه به هوا پرتاب می‌کند.



چقدر عکس‌العمل‌های این موجود دوپا متفاوت است! تحلیل‌های او مختلف است. عاطفه‌ها با رنگ‌های متضاد در او بروز می‌کند. رفتار و اقدام آدمیان از یکسانی و وحدت‌گریزان است. این همه تفاوت برای چیست؟ چرا هرکس با نگاه خود انتظار را معنا می‌کند؟ به چه علت موضوع انتظار این‌گونه رنگ‌به‌رنگ است؟ همه ادعای انتظار را دارند، همگی از جمعهٔ موعود سخن می‌گویند، همه دست‌های خود را رو به آسمان برداشته و دعای فرج را زمزمه می‌کنند، اما اندیشه‌ها، عواطف و رفتارها با هم متفاوت است.

تفکر، تربیت، عوامل محیطی، عوامل وراثتی، جریان‌های اجتماعی و تاریخی و ... موجب تکثر مبانی معرفتی نسبت به موضوع انتظار می‌شود. بر این اساس برداشت‌های متفاوتی از موضوع انتظار پدید می‌آید.

در این درس و درس بعد دو برداشت از انتظار، بررسی و نقد می‌گردد.

گوشه‌نشینی

یک مشت لات و الواط ریخته‌اند وسط بازارچه و هوار می‌کشند. دشنه دست گرفته‌اند و نفس‌کش می‌طلبند. مظلوم بی‌دست‌وپایی را به باد کتک گرفته‌اند. مابقی کنار ایستاده‌اند و برّ و برّ نگاه می‌کنند. بعضی هم دست به دعا بلند کرده‌اند و برای رهایی آن بی‌زبان دعا می‌خوانند. بعضی‌ها حتی نگاه هم نمی‌کنند، آهسته می‌روند و آهسته می‌آیند تا گربه شاخشان نزند.

بعضی انتظار را مذهب احتراز می‌دانند. براساس این نگرش، منتظران باید گوشه‌نشینی کنند و در برابر فسادها و بی‌عدالتی‌ها خیزش و حرکتی ننمایند. میرفطروس می‌گوید: «انتظار مذهب احتراز است؛ مذهبی است که منتظر را به گوشه‌گیری می‌کشاند و مانع تلاش او می‌شود. مذهبی است که نمی‌تواند کاری صورت دهد، پس دهن کجی می‌کند و کنار می‌کشد.»^۱

عده‌ای از طرفداران این نظریه بر این باورند که فعلاً کاری از ما ساخته نیست و باید در انتظار ظهور بود. بر اساس این نظریه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمانی تحقق پیدا می‌کند که جهان پر از ستم شود. یاران مذهب احتراز انتظار را با ناکارآمدی جمع کرده‌اند. گویا هر فرد ناکارآمدی باید به انتظار بنشیند.

دسته‌ای دیگر پا را از این هم فراتر می‌نهند و می‌گویند باید به ترویج

۱. به نقل از عزیزالله حیدری، انتظار و انسان معاصر، انتشارات مسجد مقدس جمکران،

گناه و فساد در جامعه دامن زد و مردم را به گناه دعوت کرد تا دنیا پر از فساد و ظلم شود و در نتیجه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند. این گروه، انتظار را با اشاعهٔ فساد گره زده‌اند.

در اندیشهٔ افراد احترازی هرکس در عصر غیبت باید سر خویش گرفته، کار خود کند و از پرداختن به دیگران بپرهیزد. در نگاه این افراد، در عصر غیبت حداقل گزاره‌های دینی را می‌توان در زندگی جاری کرد؛ انجام واجبات و ترک محرمات در حوزهٔ فردی، محدودهٔ رفتاری و عاطفی انسان عصر غیبت را تشکیل می‌دهد. بر این اساس امر به معروف، نهی از منکر، دفاع، جهاد در مسیر حفظ دین و خصوصاً تشکیل حکومت مربوط به زمان ظهور می‌باشد. هرکس در گرو عمل خویش است و هر دینداری بر اساس باور خود زندگی می‌کند و بر همان باور محشور می‌شود. پس پرداختن به دیگران بیهوده، بلکه ناروا است.

امام خمینی^(ره) مذهب احتراز را چنین تبیین می‌کنند: «بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، حسینیه و منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خدا بخواهند... یک دستهٔ دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کاری نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، سر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کاری نداشته باشیم. ما تکلیف خودمان را عمل کنیم. برای جلوگیری از این امور خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند... یک دسنه‌ای می‌گفتند که خب، باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از مکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند. گناهان زیاد بشود تا فرج نزدیک گردد.»^۱

نقدی بر احتراز

نقد اول

بشر موجودی اجتماعی و جامعه جزء جدایی‌ناپذیر او است. بر این اساس گوشه‌گیری با فطرت آدمی سازگاری ندارد. پروردگار بر اساس طبیعت انسان و نیازهای ذاتی بشر دستورهای خویش را در قالب دین صادر کرده است. قوانین الهی ناظر بر طبیعت اجتماعی بشر می‌باشد. دین مملو از قوانین و احکام اجتماعی است. امر به معروف، نهی از منکر، دفاع، جهاد، تشکیل حکومت، ساختارهای مورد نیاز یک حکومت و ... همه در بستر جامعه مفهوم پیدا می‌کند.

نقد دوم

ظلم و بی‌عدالتی پدیده مذمومی است. وجدان آدمی از سیاهی و تباهی گریزان است. در روایات و آیات بسیاری وجوب یاری رساندن به مظلومان یادآوری شده است.

«مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱

کسی که صبح کند و به امور مسلمانان توجهی نکند، مسلمان نیست.

نکته یک: توجه به امور مسلمین زمان و مکان نمی‌شناسد.

نکته دو: در روایت فوق ماده اهتمام آمده است و منظور آن است که در برابر ناملايمات اجتماعی حساسیت تنها کافی نیست، بلکه این حساسیت باید همراه با حرکت و اهتمام باشد؛ یعنی شخص هم و غم خود را در راه برطرف کردن ناهنجاری‌ها بگمارد.

نکته سه: عدم توجه به امور اجتماعی، ناپسند و در حد خروج از مسلمانی است.

نقد سوّم

با بررسی روایات، انتظار با گوشه‌گیری منافات دارد. پدیده انتظار زمانی تحقق می‌یابد که فرد در دل جامعه قرار گیرد. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: درباره شخصی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در چنین حالتی از دنیا می‌رود، چه می‌گویید؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

«... هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ»^۱

او همانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند.

نکته یک: منتظر به منزله مجاهد است و مجاهد کسی است که در حوادث و جریان‌های اجتماعی، سیاسی و ... مسئولیت‌پذیر و تأثیرگذار باشد.

نکته دو: (بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ) منتظر کسی است که همواره امام خود را حاضر و ناظر بر اعمال می‌بیند.

نقد چهارم

امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و مبارزه، عدالت‌خواهی و ... از لوازم یک جامعه سالم می‌باشد. عمل به آموزه‌های فوق موجب قوام و ثبات، سعادت و هدایت بشر می‌شود.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۱

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار
پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا
ایمان دارید.

نکته یک: (خَيْرَ أُمَّةٍ) از مهمترین امتیازات جامعه وجود یک مراقبت
همگانی است.

نکته دو: امر به معروف و نهی از منکر باعث قوام و تقویت ایمان امت
می‌شود. قوت معنوی یک جامعه از امتیازات بسیار مهم آن است.
با وجود اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و آموزه‌های حیاتی دیگر
مانند جهاد، دفاع و ...، تارک این احکام به چه میزان در راه هدایت گام
می‌نهد؟ «بی تردید امر به معروف، نهی از منکر و ...، همه از دستورهای
قطعی قرآن کریم است و بدون اجرای آنها کسی به هدایت بار نمی‌یابد.
بی شک تارک امر به معروف و نهی از منکر، دفاع و جهاد و یا سایر
احکام الهی به عدل و قسط قیام نکرده و برای هدایت اقدامی ننموده
است و خود در شمار گمراهان خواهد بود.»^۲

نقد پنجم

حکومت از ارکان حیاتی در اجتماعات انسانی است. کوچکترین جوامع
بشری به حکومت و قوانین حکومتی احتیاج دارند. احتیاج به حکومت
منحصر به زمان یا مکان خاصی نمی‌شود. امام خمینی (ره) می‌گوید:
«طبق ضرورت عقل و ضرورت احکام اسلام و روایت رسول اکرم صی نه

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

۲. آیت الله خردی آملی، عاء مهندي، موجود موعود، ص ۱۵۷.

علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و مفاد آیات و روایات، تشکیل حکومت در هر زمانی لازم است. این به مسألهٔ زمان غیبت یا حضور امام مقید نمی‌شود.»^۱ امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«ما هیچ یک از فرقه‌ها و یا هیچ یک از ملت‌ها و پیروان مذاهب مختلف را نمی‌بینیم که جز به وجود یک برپا نگه‌دارندهٔ نظم و قانون و یک رئیس و رهبر توانسته باشد به حیات خود ادامه داده و باقی بماند، زیرا برای گذران امر دین و دنیای خویش ناگزیر از چنین شخصی هستند. بنابراین در حکمت خداوند حکیم روا نیست که مردم یعنی آفریدگان خویش را بی رهبر و سرپرست رها کند، زیرا خدا می‌داند که مردم به وجود چنین شخصی نیاز دارند و موجودیت‌شان جز به وجود وی قوام و استحکام نمی‌یابد؛ و به رهبری اوست که با دشمنان‌شان می‌جنگند، و درآمد عمومی را میان‌شان تقسیم می‌کنند، و نماز جمعه و جماعت برگزار می‌کنند، و دست ستمگران جامعه را از حریم حقوق مظلومان کوتاه می‌دارند.»^۲

نکتهٔ یک: حکومت نیاز حیاتی جوامع است.

نکتهٔ دو: نیاز حیاتی جوامع محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌شود.

نکتهٔ سه: وظیفهٔ حکومت برپاداری نظم و قانون در امور دنیا و آخرت جوامع است.

ریشه‌یابی تاریخی تفکر احترام

ریشهٔ این تفکر به قرن‌ها پیش برمی‌گردد. از سیصد سال قبل پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها به استعمار کشورهای مسلمان‌نشین پرداختند. حاکمان استعمار به‌خوبی دریافته بودند که

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۷۹.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۵۱.

نمی‌توان اسلام را نابود کرد و اعتقادات و باورهای هزارساله ملت‌ها را از آنان جدا نمود. اما ترفند دیگری به کار بردند. استعمار فکری ملل مسلمان مقدمه استعمار انسانی، اقتصادی و ... این امت بود. التقاط و تحریف آموزه‌ها و مبانی دینی و احکام اسلامی از حیل‌های کارساز استعمار شد. امام خمینی^(ره) به خوبی به تحلیل و واکاوی ترفندهای استکباری می‌پردازند:

«اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. اما اینها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند (آنان در این تلاش هستند تا) خاصیت انقلابی و حیاتی اسلام را از آن بگیرند و نگذارند مسلمانان در کوشش و جنبش و نهضت باشند، آزادی‌خواه باشند، دنبال اجرای احکام اسلام باشند، حکومتی به وجود بیاورند که سعادت‌شان را تأمین کند، چنان زندگی داشته باشند که در شأن انسان است. مثلاً تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست؛ دین زندگی نیست؛ برای جامعه نظامات و قوانین ندارد؛ طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس است. اخلاقیات هم دارد، اما راجع به جامعه و اداره زندگی چیزی ندارد.»^۱

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، صص ۱۰ و ۱۱.

خودآزمایی

۱. احترام یعنی چه و آیا در مذهب احترام، ارکان انتظار تحقق پیدا کرده است؟
۲. چگونه ترک آموزه‌های اجتماعی دین در زمان غیبت با هدایت فردی و اجتماعی انسان منافات پیدا نمی‌کند؟
۳. لزوم تشکیل حکومت دینی در زمان غیبت را بیان کنید؟
۴. ریشه‌های تاریخی تفکر احترام را بیان کنید؟

برای مطالعه بیشتر

- ولایت فقیه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم.
- مجموعه مقالات سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت ۱۳۸۶، مؤسسه آینده روشن، قم.
- انتظار، بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی سروستانی، مؤسسه موعود عصر، تهران.

درس سوم

انتظار ناقص

- آنچه در این درس می‌خوانیم:
- بررسی نظریهٔ اعتراض
 - نقد نظریهٔ اعتراض

انتظار یعنی اعتراض!

صندوق فلزی را که می‌بیند تازه عقده‌اش باز می‌شود. کاغذ را برمی‌دارد و به سرتاپای اداره بد و بیراه می‌نویسد و بعد در صندوق انتقادات می‌اندازد. با چوب نقد جامعه، از سکون و رکود رهایی می‌یابد. خوبی‌ها و بدی‌ها در زیر ذره‌بین نقد هویدا می‌شود.

برخی انتظار را مذهب اعتراض و انتقاد می‌دانند. فریاد بر ظلم و بیداد، اعتراض در برابر ناهنجاری‌ها، حرکت برای از بین بردن استعمار و استثمار از مؤلفه‌های مذهب اعتراض است.

«در مذهب اعتراض، منتظر به آنچه هست دل نمی‌بندد و به آنچه که باید باشد، می‌اندیشد. او مهاجم به ظلم است و این اعتراض ریشه در یک مبارزه و ندایی تاریخی دارد.»^۱

نقد یک

فرا روی نظریه «انتظار، مذهب اعتراض» پرسش‌هایی وجود دارد. اولاً دامنه این اعتراض تا کجاست؟ آیا این اعتراض در نهایت به رفع موانع شکوفایی استعدادهای انسانی می‌انجامد؟ ثانیاً پی‌آمد این اعتراض چیست و چه وظیفه‌ای را بر دوش منتظران می‌گذارد؟ آیا این اعتراض منجر به سازندگی می‌شود؟ آیا با اعتراض، منتظر توان زمینه‌سازی برای ظهور منجی را به دست می‌آورد؟ آیا با صرف فریاد، زمینه ظهور محقق

۱. مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، ج ۱۹، ص ۳۰۳ و ۳۰۴، انتشارات قلم، قم ۱۳۶۹ شمسی.

می‌شود؟ آیا یاران مذهب اعتراض به راه‌های زمینه‌ساز برای ظهور اندیشیده‌اند؟ راه‌های زمینه‌ساز از دیدگاه مذهب اعتراض کدام است؟ پس از اعتراض و تضعیف نظام سلطه چه راه‌کاری برای تقویت تشکیلات حق وجود دارد؟ بدون معرفی راه‌کار و تعریف سازوکار برای تقویت تشکیلات حق، تا چه حد تضعیف نظام سلطه امکان‌پذیر است؟

نقد دو

کلنگ را برداشته است و به در و دیوار خانه می‌زند. می‌گوید این خانه را ناقص ساخته‌اند، اسلوب و قانون ندارد. تابستان‌ها آفتاب می‌گیرد و زمستان‌ها سایه دارد. چنین خانه‌ای را باید بر سر سازنده‌اش خراب کرد! اما وقتی به او می‌گویی: بساز تا ببینیم چه می‌سازی، می‌ماند. کلنگش را زمین می‌گذارد و به فکر فرو می‌رود؛ حرفی برای گفتن ندارد؛ دستش خالی است. فقط تخریب می‌کند، اما سازوکاری برای ساختن صحیح ارائه نمی‌دهد.

انتقاد بدون راه‌کار عملی و پیشنهاد سازنده، ناقص است. اعتراض مثبت اعتراضی است که دارای سازوکار اصلاحی باشد. اگر از انسان‌های اهل اعتراض پرسیده شود که پس از فریاد و تخریب و بیداد چه راه‌کاری برای آبادانی و پویایی جامعه دارید، با ابهام به پاسخ‌گویی می‌پردازند. می‌گویند: ظلم که برداشته شد، خودبه‌خود عدل حاکم می‌شود. بعد از فروپاشی ظلم به فکر درمان بیماری‌های جامعه می‌افتیم. عدالت را در جامعه حاکم می‌کنیم. همه را به آسایش و رفاه می‌رسانیم و ...

این جملات کلی و ابهام‌آمیز توان درمان بیماری‌های جامعه را ندارد. ابهام‌گویی با منطق سازگار نیست و موجب تشتت، تضاد و التقاط می‌شود. تضاد و التقاط خود تاریکی است و جوامع را به نابودی می‌کشاند.

انتظار زمانی سازنده است که منتظران برای رفع بیماری‌های اقتصادی، اجتماعی و ... بر اساس اصول و معارف الهی به فرمول‌سازی بپردازند. فرمول‌سازی با جملات کلی و شعارهای صرفاً احساسی حاصل نمی‌شود، بلکه باید با تفکر در معارف به برنامه‌ریزی در جهت تحقق جامعه‌آیده‌آل پرداخت. باید با مطالعه، راه‌کارهای اصلاح اقتصاد، صنعت و بیماری‌های اجتماعی را پیدا کرد.

اعتراضی که ناتوان از اصلاح و سازندگی باشد، حرکت مستمر و عمیقی ایجاد نمی‌کند.

داستان ابراهیم علیه السلام

چون شب بر او (ابراهیم) نمودار شد ستاره درخشانی دید. گفت: این (ستاره) پروردگار من است. چون آن ستاره غروب کرد گفت: من آنچه را که نابود شود، دوست ندارم (به خدایی نخواهم گرفت). پس چون (ابراهیم) ماه تابان را دید گفت: این خدای من است. وقتی آن هم ناپدید شد گفت: اگر خدای من مرا هدایت نکند، همانا از گمراهانم. پس چون (ابراهیم) خورشید درخشان را دید گفت: این است خدای من، این بزرگتر است! چون آن هم ناپدید شد گفت: ای قوم! من از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید بیزارم. من با ایمان خالص روی به سوی خدایی آورده‌ام که آفریننده آسمان‌ها و زمین است. و من هرگز از مشرکان نیستم.^۱

ابراهیم بت‌شکن تنها به اعتراض لب نمی‌گشاید. او پس از تخریب خدایان دروغین به معرفی خدای یکتا می‌پردازد. وی پس از معرفی راه فساد، راه صلاح را به مشرکان نشان می‌دهد. روش پیامبران و امامان تنها اعتراض نیست. آنان در کنار اعتراض به اصلاح نیز همت می‌گمارند.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی^(ه)، در کنار فریادها و اعتراض‌ها به تربیت نیروهای انقلاب و تولید تفکری انقلابی پرداخت. ایشان پس از سال‌ها مطالعه و تفکر به فرمول‌سازی جهت تحقق جامعه اسلامی پرداختند. تئوری «ولایت فقیه» حاصل اندیشه آن پیر ژرف‌اندیش بود. با پیروزی انقلاب، هم مدیران حکومت دینی تربیت شده بودند و هم تئوری امام به کمال رسیده بود. امام اعتراض را همراه با سازندگی و پویایی به انجام رسانید.

نظریه «انتظار، مذهب اعتراض» اگرچه قائل به امر به معروف و نهی از منکر است و با اعتقاد داشتن به جنبش‌های اجتماعی پا را فراتر از مذهب احتراز گذارده است، اما در چیستی و چگونگی این حرکت‌ها با ابهام گذر می‌کند.

خودآزمایی

۱. در نظریه «انتظار، مذهب اعتراض» کدام یک از ارکان انتظار محقق نشده است؟
۲. روش صحیح نقد چه می باشد؟
۳. روش انقلاب و اعتراض حضرت امام خمینی چه بود؟
۴. چرا نظریه «انتظار، مذهب اعتراض» با اینکه قائل به امر به معروف و نهی از منکر است، نمی تواند حرکت عمیق و ماندگاری را در جامعه ایجاد کند؟

برای مطالعه بیشتر

- مجموعه مقالات سومین همایش بین المللی دکتترین مهدویت ۱۳۸۶، مؤسسه آینده روشن، قم.
- آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد شجاعی، نشر محیی، قم.

درس چهارم

انسان و انتظار

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- شناخت ابعاد وجودی انسان
- رابطه انتظار و حرکت
- رابطه انتظار و مسئولیت

یک منشور چندبعدی

بعضی از آفریده‌های خدا چند لایه دارند؛ دارای ابعاد مختلفی هستند؛ یک منشور چندبعدی می‌باشند. از هر زاویه که نگاهشان می‌کنی، یک معنای دیگری می‌دهند. صفات متفاوتی را در خود جمع و جور کرده‌اند.

بعد اول

همه انگشت به دهان مانده‌اند. همه گیج و منگ به او زل زده‌اند. عجیب‌تر از این نمی‌شود! عجب موجود پیچیده‌ای است! انسان پیچیده‌ترین مخلوق خداست. آدمی ناشناخته‌ترین آفریده پروردگار است. بشر مملو از توانمندی‌ها و قوت‌ها می‌باشد. قرآن می‌فرماید:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۱

به تحقیق آدمی را به بهترین صورت خلق کردیم.

نکته یک: «آدمی در تمامی ابعاد وجودی خود - مادی و معنوی - نیکو آفریده شده است.»^۲

نکته دو: «آدمی ظرفیت عروج و رسیدن به حیات طیبه و سعادت ابدی را دارد.»^۳

آفریدگار از عرش اعلی تا وجود انسان یک اتوبان عریض و طویل

۱. سوره تین، آیه ۴.

۲. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۵۵.

۳. همان.

ساخته است تا آدمی فاصله بین عرش و فرش را با یک روح ماورایی بییماید. خدا آدمی را برای عرش آفرید. بشر برای زیستن در فرش ساخته نشده است. به همین خاطر رنگ‌های دنیا او را کلافه کرده و زرق و برق‌های بازار دنیا او را سرگردان و افسردگی بالای جانش شده است. او موجودی مستمر است. آبنبات‌های دنیا نمی‌تواند کام آدمی را برای همیشه شیرین سازد!

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک
چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

بعد دوم

همه جا رد پای آدمی به چشم می‌خورد. در همه جا سلطنت این موجود دویا چشم را می‌نوازد. او بر تمام خلائق پادشاهی می‌کند. خداوند همه آفریده‌هایش را در خدمت انسان گماشته است:

«وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته. همانا در این، نشانه‌ها [ی مهمی] است برای کسانی که اندیشه می‌کنند.

نکته یک: نظام و قوانین خاصی بر موجودات عالم حاکم است.

نکته دو: موجودات عالم با هم مرتبط هستند.

نکته سه: تمامی موجودات با انسان در ارتباط می‌باشند.^۲

آدمی موجودی مرتبط آفریده شده است؛ او با تمام هستی در ارتباط

۱. جائیه، آیه ۱۳.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۷۳

است؛ تنها آدمی است که به اراده خداوند توان ارتباط با تمامی اجزاء هستی را دارد. او پادشاه هستی است. انسان، جانشین خدا بر روی زمین است.

بعد سوم

دمای هوا که به زیر صفر می‌رسد، لباس‌های کاموا هم افاقه نمی‌کند. عطسه پشت عطسه می‌آید. این بدن ناتوان با یک باد می‌لرزد و با یک طوفان ترس و ریش می‌دارد.

بشر مملو از ناتوانی‌ها و ضعف‌ها^۱ است. خداوند او را در هاله‌ای از مشقت و رنج آفرید^۲ تا در دنیا به تکاپو بیفتد، تلاش کند، دست‌وپا بزند، حرکت نماید، راه رشد را پیدا کند و اسرار کائنات به رویش گشوده شود.^۳ مناجات حضرت امیر علیه السلام در مسجد کوفه تصویر کوچکی از ضعف‌ها و نیازهای بشر است. ذلت، حقارت، فقر، مرض‌ها و گرفتاری‌ها، گمراهی و سرگردانی و ... نمایشگاه کاستی‌های آدمی است. عجله^۴ خُرّه جان آدم‌ها شده است. آدم بی‌طاقت آنگاه که ضرر می‌بیند، صبر از کف می‌نهد و آنگاه که به مال و منال می‌رسد، دندان طمع آزارش می‌دهد و بخل او را زمین‌گیر می‌کند.^۵ آدمی پر از نیازها و ناتوانی‌ها است.

بعد چهارم

قلوه‌سنگ‌های راه هدایت کم نیستند. خار و خاشاک‌های راه کمال بسیاراند. جهل، عوام‌زدگی، افراط و تفریط، تقلید کورکورانه، هم‌رنگی با

۱. خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ انسان ناتوان آفریده شد. سوره نساء، آیه ۲۸.

۲. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ به تحقیق ما انسان را در رنج آفریدیم. سوره بلد، آیه ۴.

۳. قاموس قرآن، ج ۷، ص ۷۲.

۴. كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا؛ آدمی بسیار عجله‌کننده است. سوره اسراء، آیه ۱۱.

۵. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ به درستی که آدمی کم‌صبر و پرطمع خلق شد. سوره معارج، آیه ۱۹.

جماعت، ترس، چشم و هم‌چشمی و ... قلوه‌سنگ‌های این راه پر پیچ و خم می‌باشند.

بی‌ملاکی و بی‌قانونی، بی‌هدفی و سرگردانی، خیال‌بافی و ندیدن واقعیت‌های زندگی، کمبود شناخت نسبت به ترفندهای ابلیس، عدم تحلیل نسبت به جریان‌های اجتماعی و ... خار و خاشاک‌های این راه می‌باشند. راه زندگی انسان پر از موانع پیدا و ناپیدا است.

انتظار یعنی ...

لامپ کلاس سوخته است. میز اوّل سرشان را توی لاکشان کرده‌اند و بی‌خیال کلاس با همدیگر جک می‌گویند و تخمه می‌شکنند. میز دوّم چشمشان را می‌مالند و غر و لند می‌کنند که چرا کلاس تاریک است. میز سوّم ...، امّا کسی از میز سوّم خبر ندارد، پیدایشان نیست. انگار غایب هستند. میز سوّم رفته است تا شاید کاری کند، تا شاید نور کلاس را راست و ریس نماید. ... الآن پیدایشان شد. آمده‌اند تا چراغ کلاس را روشن کنند.

انتظار، نه احتراز و کناره‌گیری و نه صرفاً اعتراض و فریاد است. انتظار زمینه‌سازی و آمادگی برای رسیدن به مطلوب می‌باشد. آن کس که در انتظار است، آماده می‌شود تا توانایی‌های خود را بشناسد و به کار بندد؛ از نقطه‌ضعف‌های خود آگاهی یابد و آنها را برطرف سازد؛ موانع را بشناسد و از پیش پای حرکت‌های خود بردارد.

انتظار در مکتب تشیع یک حرکت حساب‌شده است. پیامبر اسلام صلی

الله علیه و آله فرمود:

«أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۱

برترین اعمال امت من انتظار فرج است.

نکته یک: انتظار یک حالت روانی نیست، بلکه عمل و حرکت است.

نکته دو: انتظار فرج بالاترین عمل امت پیامبر می‌باشد.

نکته سه: در انتظار، گشایش و فرج نهفته است و این یعنی منتظر، بن‌بست‌ها، مشکلات و گره‌های بشر را نمی‌پذیرد، بلکه اقدام به گره‌گشایی می‌کند. او به دنبال گشایش است. او در انتظار گشایش حرکت می‌کند.

انتظار یعنی ...

ظرف‌های ناهار و شام توی آشپزخانه تل‌انبار شده‌اند. کسی سراغشان را نمی‌گیرد. کبری نمی‌تواند دل از تلویزیون بکند. حمید با رایانه‌اش فوتبال بازی می‌کند. مادر خسته و کوفته گوشه اتاق افتاده است. پدر با عینک ته‌استکانی‌اش روزنامه را ورق‌ورق می‌کند و خط به خط می‌خواند. صغری تا غرغر مادر را نشنود از جایش جم نمی‌خورد. اما ته‌تغاری خانه به این حرف‌ها کاری ندارد. همین که وارد خانه می‌شود، کتاب و دفترش را به گوشه‌ای می‌گذارد و آستین‌ها را بالا می‌زند تا دمار از روزگار ظرف‌ها در بیاورد!

بعضی آدم‌ها بی‌خیال بی‌خیال هستند؛ دنیا را آب ببرد آنها را خواب می‌برد!

بعضی آدم‌ها تا چوب بالای سرشان نباشد جم نمی‌خورند؛ مسئولیت قبول نمی‌کنند.

بعضی آدم‌ها حتی احتیاج به گوشه و کنایه هم ندارند؛ خودشان وظیفه‌شان را می‌دانند. پر از نیرو و حرکت هستند. دیگران را نیز به حرکت دعوت می‌کنند.

انتظار یعنی حرکت از روی مسئولیت. انتظار یعنی سبقت گرفتن در انجام مسئولیت‌ها. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱

کسی که در انتظار امر ما می‌باشد، مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده است.

نکته یک: منتظر به انسانی می‌ماند که مانند شهید در خون خود غلتان است.

نکته دو: غوطه‌ور شدن در خون مصداق بارز یک حرکت عمیق و تأثیرگذار اجتماعی است.

نکته سه: غوطه‌ور شدن در خون مصداق بارز اوج مسئولیت‌شناسی است.

نکته چهار: شهدا طلایه‌داران حرکت‌ها و مسئولیت‌ها هستند.

یک منتظر واقعی

چند روزی بود که کمردرد امانش را بریده بود. دیگر توان نداشت به تنهایی مدرسه را نظافت کند. مدیر او را سرزنش می‌کرد. سرایدار در برابر پرخاش مدیر، کاری غیر از سکوت نمی‌توانست انجام دهد. دلهره‌ای در دل سرایدار مدرسه و همسرش افتاد. نکند مدیر کس دیگری را استخدام کند و ما را از تنها اتاق شش‌متری - که تمام دارایی و

اثاثیه‌هایمان در آن خلاصه می‌شود - اخراج کند!

یک روز صبح از خواب بیدار شد...، باور نمی‌کرد! چشمانش را با تعجب به در و دیوار مدرسه دوخت. همه جا تمیز بود؛ حیاط مدرسه و کلاس‌ها نظافت شده بودند. حتی منبع‌ها هم پر از آب شده بود. با خودش گفت شاید همسرم از غفلت من استفاده کرده، صبح زود از خواب بیدار شده و همه جا را نظافت کرده است. اما واقعیت چیز دیگری بود. آن روز از صبح تا شب سرایدار و همسرش مراقب بودند تا ببینند چه کسی به نظافت مدرسه می‌پردازد. اما آن روز راز این مسأله آشکار نشد.

صبح روز بعد دوباره مدرسه را نظافت شده یافتند. همه چیز با حساب و کتاب مرتب شده بود. حالا دیگر مدیر از سرایدار ابراز رضایت می‌کرد. اما این طور نمی‌شود؛ سرایدار با خود کلنجار می‌رفت. داستان چیست، این کارها کار چه کسی است؟!

روز بعد وقتی هوا گرگ‌ومیش بود، سرایدار در حالی که چشمانش از بی‌خوابی می‌سوخت، ناگهان با شگفتی دید که یکی از شاگردان مدرسه از دیوار بالا آمد و دورن حیاط پرید و بعد جارو و خاک‌انداز را برداشت و مشغول نظافت حیاط شد. سرایدار سریع به طرف دانش‌آموز آمد. عباس تا بابای مدرسه را دید خجالت کشید. سرش را زیر انداخت و سلام کرد. بغض گلوی بابای مدرسه را گرفته بود. اشک صورتش را خیس کرد. رو به عباس کرد و گفت: خدا خیرت دهد پسر! پیر بشی ان‌شاءالله، دیگر شرمندهام نکن! چون ممکن است پدر و مادرت ناراحت شوند که فرزندشان به جای درس خواندن به نظافت مدرسه مشغول است. ممکن است سرزنشت کنند.

عباس بابایی در حالی که چشمان معصومش را به زیر انداخته بود، پاسخ داد: من که به شما کمک می‌کنم، خدا هم در خواندن درس‌هایم

به من کمک خواهد کرد. اگر شما به پدر و مادرم نگوئید، آنها نمی‌فهمند. پس از شهادت عباس بابایی، همسر سرایدار گریان و نالان به منزل شهید آمد و ماجرای فوق را برای خانواده شهید بابایی تعریف کرد.^۱

۱. پرواز تا بی‌نهایت، حکایت‌هایی کوتاه از زندگی شهید عباس بابائی، ص ۲۰.

خودآزمایی

۱. ابعاد وجودی انسان را تشریح کنید؟
۲. چه نوع انتظاری حرکتهای آدمی را سامان می‌دهد؟
۳. چه نوع انتظاری مسئولیت‌آفرین است؟

برای مطالعه بیشتر

- آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد شجاعی، نشر
محیی، قم.
- مهدی؛ موعود موجود، آیت‌الله جوادی آملی، مؤسسه اسراء،
قم.

درس پنجم

از انتظار تا اضطرار

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- رابطهٔ انتظار ولی خدا و اضطرار به او
- شرایط ایجاد اضطرار به ولی خدا
- نتیجهٔ اضطرار به ولی خدا

انتظار یعنی ...

همه در گوش هم پیچ می‌کنند: اگر طوفان بیاید چه می‌شود؟! اگر قطب‌نما خراب شود چه بلایی سرمان می‌آید؟! اگر موتور کشتی از کار بیفتد چه خاکی بر سرمان بریزیم؟! اگر این کشتی بلاگرفته، وسط دریا غرق شد، چه کسی نجات‌مان بدهد؟! آخر کشتی ناخدا می‌خواهد. سگان کشتی فقط به دست ناخدا می‌چرخد.

انتظار یعنی اضطرار. منتظر کسی است که در کشتی سرگردان دنیا نشسته، قطب‌نمایش را گم کرده و در میان طوفان‌ها به این سو و آن سو می‌افتد. او با تمام جان، اضطرار به وجود ناخدای کشتی را می‌فهمد. انتظار یعنی اضطرار به ولی خدا. منتظر، بدون توجه ولی خدا خود را در حال غرق شدن می‌یابد. او ترس آن را دارد که طوفان آخرالزمان طومار دین و دنیایش را در هم بیچد.

دعای غریق

امام صادق علیه السلام می‌فرماید.

«سُئِبِكُمْ شُبُهَةً فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يُرِي و لا اِمَامٍ

هُدِي. لا يَنْجُو مِنْهَا اِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ»

در آینده مبیلا به شبهه (منسبه شدن حق و باطل) می‌شوید و بدون وجود نشانه و پرچمی که دیده شود و بدون حضور امامی که هدایت کند، باقی خواهید ماند. از این وضعیت هر کسی که دعای غریق را بخواند، نجات نمی‌یابد.

عبدالله بن سنان که راوی حدیث است، سؤال می‌کند: دعای غریق چگونه است؟ حضرت می‌فرمایند:
می‌گویی:

«ياَ اللهُ ياَ رَحْمَنُ ياَ رَحِيمُ ياَ مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ
قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»^۱

ای خدا، ای رحمان، ای رحیم! ای کسی که دل‌ها را زیر و رو می‌کنی! قلب مرا بر دین خود ثابت بدار.

نکته یک: حضرت دعا را دعای غریق نام نهادند. غریق یعنی غرق شده و منظور کسی است که به امواج بلا و فتنه‌های زمان غیبت گرفتار آمده و نمی‌تواند خود را از آنها نجات دهد.

نکته دو: بشر غرق شده احتیاج به دستگیری دارد و باید دیگری او را نجات دهد.

نکته سه: توجه دادن به اینکه مؤمنان در زمان غیبت در خطر غرق شدن در دریای فساد و تباهی هستند، می‌تواند برای انسان بسیار مفید باشد. اگر آدمی درد را بشناسد، به دنبال داروی آن می‌رود و کسی که احساس درد نکند، دنبال معالجه آن نخواهد رفت.

نکته چهار: بسیاری از اهل ایمان در دوران آخرالزمان شرایط حساس و خطرناک خود را درک نمی‌کنند و با خیال راحت و بدون دغدغه در کشتی‌ای نشسته‌اند که از هر طرف مورد هجوم امواج خطرناک قرار گرفته است. تنها کسانی نگران‌اند که نسبت به طوفانی بودن دریا و سست بودن کشتی آگاهی دارند.

نکته پنج: وقتی آدمی حساسیت زمان غیبت و سختی دین‌داری در آن

را فهمید، آن وقت به اضطرار می‌افتد؛ از جان و دل به درگاه خدا دست نیاز بلند می‌کند و با توسل به ائمه علیه السلام در پی نجات می‌افتد. او انتظار را اضطرار به ولی خدا می‌داند.^۱

تردید بلای آخرالزمان

کشورهای وامانده موش آزمایشگاه‌های دنیای نوین شده‌اند. فروشگاه‌های مگ‌دونالد ته‌ماندهٔ جیب کشورهای فقیر را پارو می‌کنند. استعمار نوین فرمول‌های زوار دررفته‌اش را لای زرورق‌های زیبا می‌پیچد و به خورد یک مشت مهندس این‌ور آبی می‌دهد. چشم‌گره‌ای‌های آن‌ور آبی آن قدر برای خود کلاس گذاشته‌اند که دیگر چشم‌سیاه‌های این‌ور آبی باورشان شده که بی‌کلاس هستند.

زندگی در دهکدهٔ جهانی کمی مشکل است. در این ده‌کوره همه ادعا دارند. همه می‌گویند ما حرف اوّل را می‌زنیم. همه مشغول تُرک‌تازی هستند. برای رسیدن به ساحل نجات باید از میان گرداب‌ها گذر کرد. انتظار یعنی گذر از میان تردیدها و سیاهی‌ها. تردیدها آدمی را به اضطراب می‌رسانند. راه درمان اضطراب بشر آخرالزمان اتصال به ولیّ خداوند و راه اتصال به ولی احساس اضطراب نسبت به او (انسان کامل) است.

خصوصیت مضطربان به ولیّ خدا

روزی رسول خدا در جمع گروهی از اصحاب دو بار چنین دعا کردند:

«اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي»؛

خدایا! برادرانم را به دیدار من برسان.

اصحاب گفتند: ای رسول خدا! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود:

۱. برگرفته از کتاب معرفت امام عصر(عج)، سید محمد بنی‌هاشمی، ص ۲۰۸.

«لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ
 آمَنُوا وَ لَمْ يَرَوْنِي، لَقَدْ عَرَفْتَهُمْ اللهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ
 أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ
 آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ. لَأَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ
 دِينِهِ مِنْ فَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ
 عَلَيَّ جَمْرِ الْغُضَا. أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنْجِيهِمْ
 اللهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةً»

«خیر، شما همنشینان و همراهان من هستید، و برادران من
 گروهی در آخرالزمان هستند که ایمان می‌آورند، با اینکه مرا
 ندیده‌اند. خداوند قبل از آنکه آنان را از صلب پدران و رحم
 مادران‌شان خارج سازد، آنها را با نام‌هایشان و نام‌های پدران-
 شان، به من معرفی کرده است.

ثابت قدم بودن هر یک از آنها در دیس خود از تراشیدن
 خارهای قتاد در تاریکی شب سخت‌تر است، یا مانند کسی که
 آتش درخت «غضا» را با دست گرفته است. اینها چراغ‌های
 روشن‌کننده در تاریکی هستند که خداوند ایشان را از هر فتنه
 تیره و تاری نجاب می‌دهد.»

نکته یک: «غضا» نام درختی است که چوب آن مدت زیادی آتش و
 حرارت را در خود حفظ می‌کند و به همین جهت زغال بسیار خوبی دارد.
 دین‌داری برای منتظر نظیر آن است که انسان آتش آن درخت را در
 دست خود نگه دارد. با توجه به آنکه حرارتش مدت زیادی باقی می‌ماند،
 می‌تواند بیان‌کننده خوبی از سختی دین‌داری در زمان غیبت برای
 مستظران حقیقی باشد.

نکته دو: قدم‌های منتظر لرزان نیست؛ ایسم‌های بشری اندیشه منتظر را به تردید نمی‌اندازد. عاطفه او بر محور ایمان می‌چرخد. سوپرمن‌های دنیا دلش را نمی‌لرزاند. رفتار او بر مدار حق بوده و منافع دنیایی و مصلحت‌های زودگذر مادی رفتار او را تغییر نمی‌دهد.

نکته سه: انسان‌های منتظر، فکر، عاطفه و رفتارشان را با عالم بالا گره زده‌اند. حضور فیزیکی ولیّ خدا برای آنان شرط دین‌داری نیست.

نکته چهار: منتظران واقعی، چراغ‌های هدایت امت در تاریکی غیبت می‌باشند. حضور آنان در جای‌جای رویدادهای جامعه ملاک حق و روشنایی است. آنان الگوی جامعه آخرالزمان هستند.

خودآزمایی

۱. اضطرار به ولیّ خدا در چه شرایطی حاصل می‌شود؟
۲. مفاد دعای غریق را توضیح دهید؟
۳. تردیدهای دنیای امروز را نام ببرید؟

برای مطالعه بیشتر

- معرفت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید محمد بنی‌هاشمی، انتشارات نیک معارف، تهران.
- وارثان عاشورا، علی صفائی حائری، انتشارات لیله القدر، قم.

درس ششم

از انتظار تا حرکت

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- رابطه انتظار و رشد

- شرایط رشد و اصلاح

- نقطه آغازین انتظار

سرآغاز

یک تغییر عجیب

لشکر اسلام هنگام فتح مصر در منطقه‌ای به نام فساط خیمه زده بودند. روزی که اردو می‌خواست از جای خود برخیزد و به جای دیگر رود، به فرمانده سپاه گفتند کبوتری برفراز چادر تو آشیانه کرده و تخم نهاده است. اگر چادر را برچینیم، این تخم‌ها می‌شکند و این دو کبوتر آزرده می‌شوند. فرمانده گفت: چادر برپا بماند. یک تن از سپاهیان همین جا توقف کند تا این کبوتران بچه‌های خود را پرواز دهند، سپس چادر را برچیند.^۱ از این داستان بیش از چهل سال نگذشت که فرزندان همان مردم، خیمه‌های فرزند پیغمبر خود را به آتش کشیدند تا خردسالان حسین علیه السلام را بسوزانند. راستی کدام یک از این دو صحنه رقت‌انگیزتر است؟! چه اتفاقی در اندیشه، دل و رفتار امت افتاد که اینان را این‌گونه دگرگون کرد؟!

انتظار یعنی ...

در درس پیشین انتظار به معنای اضطرار به ولی خدا و حرکت معنا شد. در این درس، انتظار به معنای رشد و بالندگی معرفی می‌شود. آدمی دائماً تحت تأثیر پیرامون خود است. عادت‌ها، تقلیدهای

۱. معجم البلدان، ج ۵۱، ص ۲۶۰؛ به نقل از دکتر سید جعفر شهیدی، قیام حسین علیه السلام،

کورکورانه، غفلت‌ها، جهل‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها، لج‌بازی‌ها، عدم تحلیل و شناخت جریان‌های جامعه و ... روح و اندیشه آدم‌ها را به افراط و تفریط می‌کشاند. آدم‌های نامتعادل، جامعه پیرامون خود را در حدّ توان نامتعادل می‌کنند. هر آن و هر لحظه دل و اندیشه آدم‌ها نیاز به خانه‌تکانی دارد تا دچار افراط و تفریط نشود.

انتظار یعنی اصلاح افراط‌ها و تفریط‌ها. زمانی که افراط و تفریط از دل و اندیشه انسان رخت بربندد، حرکت و اقدام او به رشد و بالندگی می‌رسد. حرکتی که در آن اصلاح و سازندگی نباشد، ناقص و بی‌ثمر است. چنین حرکتی انتظار آفرین نیست. در جامعه‌ای که باورها، احساسات و اقدامات نامعقول اصلاح شود، استعدادها بارور می‌شود؛ مسئولیت‌ها بر مدار عقل، وجدان و ایمان می‌گردند؛ زندگی بر مدار تکلیف دور می‌زند.

نقطه آغازین انتظار

انتظار یعنی رشد و بالندگی. رشد و بالندگی از خویشتن آغاز می‌شود و سپس محیط پیرامون و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يَتَسَلَّخْ عَنِ هَوَا جَسَدِهِ وَ لَمْ يَتَخَلَّصْ مِنْ
آفَاتِ نَفْسِهِ وَ شَهَوَاتِهَا وَ لَمْ يَهْزِمِ الشَّيْطَانَ وَ لَمْ
يَدْخُلْ فِي كَنَفِ اللَّهِ وَ تَوْحِيدِهِ وَ أَمَانَ عِصْمَتِهِ
لَا يَصْلُحُ لَهُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱

آن کس که آرزوهای نفسانی‌اش را از دل نزداید و از آفت‌های نفسانی و شهوی خویش فارغ نشود، افکار شیطانی را از خود

نراند و در پناه خداوند بزرگ نرود، شایسته نیست مردم را امر به معروف و نهی از منکر نماید.

آن کس که در راه اصلاح و رشد معنوی، اعتقادی و فکری خویش همت نگمارد، چگونه می‌تواند به اصلاح پیرامون خود پردازد؟
امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ، وَ بَصَرُ عَمِي
أَفْتِدَتِكُمْ، وَ شِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ، وَ صَلاَحُ
فَسَادِ صُدُورِكُمْ، وَ طَهْوْرُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ، وَ جَلَاءُ
عَشَا أَبْصَارِكُمْ، وَ أَمْنُ فَرْعِ جَأْشِكُمْ، وَ ضِيَاءُ
سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ»^۱

همانا تقوای خدا داروی درد قلب‌های شما و بیناکننده کوری دل‌هایتان، و شفابخش بیماری جسم‌هایتان، و برطرف‌کننده تباهی سینه‌هایتان، و پاک‌کننده آلودگی جان‌هایتان، و روشنی‌بخش ضعف چشم‌هایتان، و فرونشاندنده ترس و اضطراب دل‌هایتان، و زداینده سیاهی تاریکی‌تان است.

تأثیرات اجتماعی تقوی در روایت زیر آشکار است:
امام باقر علیه السلام در نامه خود به سعد الخیر می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ بَقِيَ بِالتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ
وَ يَجْلِي بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاهُ وَ جَهْلُهُ وَ بِالتَّقْوَى
نَجِي نوحُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ، وَ صَالِحُ وَ مَنْ
مَعَهُ مِنَ الصَّاعِقَةِ، وَ بِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَ

نَجَتْ مَلِكُ الْعُصْبِ مِنَ الْمَهَالِكِ^۱

خداوند به واسطه تقوی آنچه را که عقل بنده به آن نمی‌رسد، از وی دور می‌گرداند و به وسیله تقوی کوری و نادانی او را برطرف می‌سازد. به کمک تقوی بود که نوح و کسانی که با او در کشتی بودند، نجات یافتند و صالح و پیروانش از صاعقه رستند؛ و با تقوا است که صابران کامیاب شدند و آن گروه‌ها از مهلکه‌ها رهایی یافتند.

نکته یک: تقوی پشتوانه حرکت‌های فردی و اجتماعی است.

نکته دو: تقوی غفلت‌های فردی و اجتماعی را می‌زداید.

نکته سه: به کمک تقوی حرکت‌های اجتماعی به خوبی سامان می‌یابد.

نکته چهار: پیامبران الهی در سایه تقوی به اصلاح جامعه می‌پرداختند.

مشتاقان ظهور

ائمه معصومین بارها و بارها خود را منتظر نامیده‌اند و برای رسیدن به جامعه ظهور مشتاقانه لحظه‌شماری می‌کردند. دعای ندبه، دعای عهد، زیارت آل یس و ... نمونه‌های بارزی از این اشتیاق است.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آرزوی درک محضر حضرت بقیه‌الله

عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند:

«لَوْ أَدْرَكْتُه لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^۲

اگر او را درک می‌کردم، تمام روزهای زندگیم را به او خدمت می‌کردم.

نکته یک: درک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از آرزوهای

۱. الکافی، ج ۸، ص ۵۲، حدیث ۱۶.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین، ص ۷۴۰.

دیرین ائمه علیه السلام است.

نکته دو: درک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با خدمت (و یاری) آن حضرت می‌باشد.

نکته سه: روز و شب و تمام لحظه‌های عمر یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در خدمت آن مولای غایب است.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام، آرزومند دیدار حضرت بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، فلسفه حرکت کربلایی خویش را این‌گونه بیان می‌دارند:

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا
ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِصْلَاحِ أُمَّةٍ جَدِّي
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ
بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ
جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ...»^۱

من از روی خودخواهی، خوش‌گذرانی، فساد و ظلم از مدینه خارج نشدم. همانا برای طلب اصلاح در امت جدم، محمد صلی الله علیه و آله خارج شدم. امر به معروف و نهی از منکر را اراده کردم و براساس روش جدم و پدرم، علی ابن ابی طالب، حرکت کردم.

نکته یک: خودخواهی، خوش‌گذرانی، عافیت‌طلبی و ظلم در حرکت‌های اصلاحی معنا ندارد. بر این اساس آنان که ادعای انتظار را دارند اما از روی خودخواهی و منفعت‌طلبی به حرکت می‌پردازند، راه را اشتباه رفته‌اند. چنین انسان‌هایی مسئولیت‌ها را براساس منافع شخصی و ... انتخاب می‌کنند. انسان‌های خوش‌گذران در سختی‌ها ناپیدا هستند.

آنان اهل خطر نیستند و در سر بزنگاه‌ها جبههٔ حق را خالی می‌کنند. حرکتی که ریشه در اضطرار به ولیّ خدا نداشته باشد، به بالندگی ختم نمی‌شود. حرکتی که ریشه‌اش در لذت‌ها، خوش‌گذرانی‌ها و ظلم‌ها باشد، انتظارآفرین نیست.

نکتهٔ دو: لازمهٔ رشد و بالندگی خروج و حرکت است. اصلاح‌گر باید طالب اصلاح باشد. طالب اصلاح کسی است که از درون جان و وجدان، نیکی‌ها را طلب می‌کند. او از روی رودربایستی و جَوزدگی دم از انتظار نمی‌زند و انتظار او از اعماق وجدانش می‌جوشد. او نمی‌تواند آرام بنشیند و تنها نظاره‌گر باشد. او فرصت‌سوز نیست، بلکه فرصت‌ها را می‌سازد. او خود و جامعهٔ خود را نیازمند و طالب اصلاح و رشد می‌داند. آن کس که طالب ولیّ خدا نباشد، نمی‌تواند ادعای انتظار را داشته باشد. طلب، حرکت و رشد را همراه دارد. ایستایی رشد را متوقف می‌کند. راكد ماندن استعدادها، قابلیت‌ها را می‌خشکاند. استعدادهای خشکیده پویایی را از جامعه دریق می‌دارد. سیدالشهدا طالب اصلاح امت جدشان بوده‌اند.

نکتهٔ سه: اصلاح و بالندگی باید به همراه ملاک و قانون باشد. ملاک تمامی حرکت‌های انسانی تنها قوانین الهی است. سیرهٔ پیامبر و اهل بیت علیه السلام ملاک تمامی سازندگی‌ها و پیشرفت‌ها است. به همین جهت سیدالشهدا سیرهٔ جد و پدر خویش را ملاک حرکت برای اصحاب خود قرار دادند.

نکتهٔ چهار: اصلاح یعنی ضعف‌ها را تقویت نمودن و توانمندی‌ها را قوّت بخشیدن. اصلاح یعنی ریشه‌های هدایت و امنیت را در جامعه بارور کردن. امر به معروف و نهی از منکر از مهمترین ریشه‌های هدایت و امنیت جامعه است که در سایهٔ آن، افراد جامعه به مراقبت از یکدیگر می‌پردازند. مراقبت همگانی امنیت همگانی را به همراه دارد. جامعه‌ای

۷۱ / از انتظار تا حرکت □

که از ناهنجاری‌های فکری، عاطفی، اخلاقی و ... بیمه شده باشد،
زمینه‌های هدایت خود را فراهم کرده است.

خودآزمایی

۱. اصلاح به چه معنایی است؟
۲. نقطه آغازین رشد و بالندگی کجا است؟
۳. شرایط اصلاح و رشد کدام است؟

برای مطالعه بیشتر

– آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد شجاعی، نشر
محیی، قم.

– رشد، علی صفائی حائری، انتشارات لیله القدر، قم.

درس هفتم
انتظار و سازندگی

آنچه در این درس می‌خوانیم:
- انواع سازندگی

سرآغاز

در درس پیش انتظار به معنای «بالندگی و اصلاح» معرفی شد. در این درس به انواع حرکت‌های اصلاحی اشاره می‌شود.

انواع حرکت‌های اصلاحی

نوع اول: سازندگی اخلاقی

دائماً ورژه و وورژه می‌کند. دائماً نق می‌زند، دائماً سر به سر این و آن می‌گذارد. کارش شده است شیطنت. شیطان توی رگ‌هایش می‌چرخد. با فریاد نمی‌توان او را سرجایش نشانند. اگر داد بزنی بدتر لج‌بازی می‌کند. باید با یک اقدام حساب‌شده او را سر جایش نشانند.

در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مردم از چاه جهل به دامن دین وارد شدند. اما عده‌ای هنوز شیطنت‌های زمان جاهلیت را فراموش نکرده بودند. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله با کرامت اخلاق، آنان را به توحید دعوت کرد.

در واقعه فتح مکه، پیامبر صلی الله علیه و آله با یک اقدام ظریف به ابوسفیان فرمود: ابوسفیان می‌تواند به مردم مکه اطمینان بدهد که هرکس به مسجدالحرام پناهنده شد و یا سلاح بر زمین گذاشت و بی‌طرفی خود را اعلام کرد و یا در خانه‌اش را بست و ... از تعرض ارتش اسلام محفوظ خواهد ماند.^۱

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، صص ۴۰۰ تا ۴۰۴ و مجمع البیان، ج ۱۰، صص ۵۵۴ و ۵۵۶.

مکه بدون خونریزی فتح شد. پیامبر صلی الله علیه و آله از همان روزهای اول فتح مکه به اصلاح عقاید مردم پرداختند؛ بت‌ها را شکستند و کعبه را شستشو دادند. بت هبل در برابر دیدگان مشرکان در هم فرو ریخت. مردم به ابوسفیان می‌گفتند: هبل، این بت بزرگ شکسته شد. ابوسفیان با کمال ناراحتی گفت: اگر از هبل کاری ساخته بود، سرانجام کار ما این نبود. مشرکان به یاد آوردند که چه ظلم‌ها بر پیامبر روا داشتند، پس با خود گفتند: لابد همه ما را از دم تیغ خواهد گذراند، یا گروهی را کشته و گروهی را بازداشت خواهد نمود و زنان و اطفال ما را به اسارت خواهد گرفت. ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَاذَا تَقُولُونَ؟! مَاذَا تَظُنُّونَ؟!» چه می‌گویید و درباره من چگونه می‌اندیشید؟! سپس فرمودند: من همان جمله‌ای را که برادرم یوسف علیه السلام به برادران ستمگر خود می‌گفت، به شما می‌گویم:

«لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ

الرَّاحِمِينَ»^۱

امروز بر شما ملامتی نیست. خداوند گناهان شما را می‌امرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

پیامبر عفو عمومی اعلام کرد و پس از یادآوری رنج‌ها و ظلم‌هایی که توسط مشرکین بر مسلمانان رفته بود، فرمود:

«إِذْهَبُوا أَنْتُمُ الطُّلُقَاءُ»^۲

به دنبال زندگی خود بروید، همه شما آزادید.

۱. بحار الانوار، ج ۲۱، صص ۱۰۷ و ۱۳۲.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۱۱.

آری، پیامبر صلی الله علیه و آله با کرامت اخلاقی خویش به اصلاح و سازندگی جامعه مکه پرداخت و حیات طیبه را بر آنان ارزانی داشت. کرامت اخلاقی مصداقی از جامعه منتظر است. رعایت حقوق فردی و اجتماعی، همدردی با بینوایان، مدارا با بیگانگان، محبت به همدیگر، احترام به پدر و مادر و ... از مصادیق کرامت اخلاقی می باشد.

پیامبر برای تکمیل کرامت اخلاق در جامعه مبعوث شد.^۱ جامعه منتظر با احیای کرامت‌های اخلاقی به پیشواز جامعه ظهور می رود. اصلاح اخلاق و رشد کرامت‌های اخلاقی از مصادیق پیشرفت و سازندگی است.

داستان عبدالحسین

عبدالحسین نزدیک دو ماه توی سبزی‌فروشی مشغول بود. یک روز آمد و گفت: این کار برام سنگینه. من از تقسیم اراضی فرار کردم که گرفتار مال حروم نشم، ولی اینجا هم دست‌کمی از ده نداره. با زن‌های بی‌حجاب سر و کار دارم. سبزی‌فروش هم آدم درستی نیست، سبزی‌ها رو می‌ریزه توی آب که سنگین‌تر بشه. از فردا دیگه نمی‌رم. فردا صبح باز رفت دنبال کار. ظهر که آمد، گفت: توی یک لبنیاتی کار پیدا کردم.

گفتم: این جا روزی چقدرت می‌دن؟

گفت: از سبزی‌فروشی بهتره، روزی ده تومن می‌دن.

ده پانزده روزی رفت لبنیاتی. یک روز بعد از ظهر زودتر از وقتی که باید می‌آمد، پیداش شد. خواستم دلیلش را بپرسم، چشمم افتاد به وسایل توی دستش، با یک بیل و یک کلنگ! پرسیدم: اینا رو برا چی گرفتی؟! گفت: به یاری خدا و چهارده معصوم می‌خوام از فردا صبح بلند شم و

۱. اِنِّی بُعِثْتُ لِاتِّمِّمَ مَکَارِمَ الْاِخْلَاقِ.

برم سر گذر.

گفتم: این لابیاتی که دیگه کارش خوب بود، مزد هم که زیاد می‌داد! سرش رو تکان داد و گفت: این یکی باز از اون سبزی‌فروشه بدتره. گفتم: چطور؟

گفت: کم‌فروشی می‌کنه، کارش غش داره؛ جنس بد رو قاطی جنس خوب می‌کنه. می‌خواد منم لنگه خودش باشم! میگه اگه بخوای به جایی برسی، باید از این کارا بکنی!

با غیظ ادامه داد: این نونش از اون یکی حروم‌تره!

از فردا صبح زود رفت به قول خودش سر گذر. سه چهار روز بعد، آخر شب که از سر کار برگشت، گفت امروز الحمدلله یک بنا پیدا شده که منو با خودش بیره سر کار.

گفتم: این روزی چقدر می‌ده؟

گفت: ده تومن.

کارش جان‌کندن داشت، با کار لابیاتی که مقایسه می‌کردی، دلت می‌سوخت. می‌گفت: نون زحمت‌کشی نون پاک و حالیه، خیلی بهتر از کار اوناست.

کم‌کم توی همین کار بنایی جا افتاد و برای خودش اوستا شد. حالا دیگه شاگرد می‌گرفت، دستمزدش هم بهتر از قبل شده بود.^۱

شهید عبدالحسین برونسی از بدو کودکی قدم در مسیر انتظار گذارد. جای‌جای زندگی آن فرمانده رشید از عطر اخلاق و کرامت سرمست بود. عشق به اهل‌بیت علیه‌السلام باعث شد تا او بسیاری از معاملات قهری و

۱. برگرفته از کتاب خاک‌های نرم کوشک، سعید عاکف، صص ۲۴، ۲۵ و ۲۶.

طبیعی بشر را بر هم زند و از بنایی به سرداری برسد. او در طول زندگی دنیایی‌اش آن قدر شگفتی آفرید که تشنگان دریا‌های عظیم معارف همواره به دنبال چیدن خوشه‌ای از خرمن معرفت او هستند.

نوع دوم: سازندگی فرهنگی و علمی

نه می‌توان قورتش داد و نه می‌توان بیرونش آورد. مانند استخوانی در گلو ایستاده است. دست بهش بزنی بدتر می‌شود. اگر کمی حرکت کند، تمام اعضاء و جوارح از درد زار می‌زند. باید تقیه کرد؛ باید با مدارا رفتار کرد؛ باید با ریزبینی و بی سروصدا دیگر اعضای جامعه را از او دور ساخت تا کمتر آسیب ببیند.

حذیفه، ظالم آن زمان، استخوانی بود در گلوئی حضرت. می‌فرمود: اگر به اندازه این گله یار و همراه داشتیم، اقدام می‌کردم.... دوست امام صادق علیه السلام می‌گوید: گوسفندها را شمردم، چهل رأس بودند.

آری، اگر امام صادق علیه السلام تنها چهل یار پا به رکاب داشتند، آن وقت آب خوش از گلوئی حاکمان آن زمان پایین نمی‌رفت. اما هنوز جامعه آماده نبود؛ هنوز مردم توجیه نشده بودند؛ هنوز مردم به وظایف خود پی نبرده بودند. ولی در چنین فضایی سازندگی جامعه تعطیل نمی‌شود.

امام صادق علیه السلام دو اقدام ریشه‌دار انجام دادند: اول دانشگاهی به وسعت بیش از چهارهزار شاگرد تأسیس کردند تا معارف الهی را به شاگردان بیاموزند. شیعه اکنون مرهون دانشگاه عظیم امام صادق علیه السلام است. فقیهان، مفسران، منجمان، شیمی‌دانان و ... محصول‌های درس صادق آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. انقلاب امام صادق علیه السلام انقلابی فرهنگی و علمی بود. این انقلاب منجر به سازندگی

فکری جامعهٔ مسلمین شد. دوّمین اقدام صادق آل محمد علیه السلام تربیت شیعیان پاک و بصیری همچون ابابصیر، محمد بن مسلم و ... بود. آری، گاه انتظار در قالب تقویت بنیان‌های معرفتی و علمی جامعه تحقق می‌یابد. جامعه‌ای که از نظر علم و ایمان بالنده شود، می‌تواند الگوی مناسبی برای انسان‌های عصر انتظار باشد. آیت‌الله حائری یزدی (مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم)، امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی، شهید مطهری، پروفسور حسابی (پدر فیزیک ایران) و بسیاری از فرهیختگان دیگر با حرکت‌های علمی، فرهنگی و معرفتی خویش بنیان‌های جامعهٔ انتظار را تقویت کردند. پس نوع دیگری از انتظار، سازندگی در فضای علم است.

شاگرد انیشتین

بیش از یک ساعت پای تابلو، معادلات و نتایج کارم را می‌نوشتم و توضیح می‌دادم. انیشتین و سایر استادهایی که او برای جلسهٔ دفاع من دعوت کرده بود، با دقت نظارت می‌کردند و موضوع‌های مطرح‌شده را به بحث می‌گذاشتند. حتی گاهی اوقات وقتی یکی از استادان می‌خواست با سؤالات خود مرا منحرف کند، انیشتین فوری حس می‌کرد و خودش پاسخ می‌داد تا موضوع از دست من خارج نشود. وقتی دفاع من تمام شد، انیشتین رو به من کرد و گفت: «دکتر حسابی! به شما تبریک می‌گویم. این نظریهٔ شما زیبا، متقارن و قابل دفاع است.» در اینجا لازم است اشاره کنم بعد از تأیید انیشتین بود که نشان کومان‌دور دولالوژیون دو نور، بزرگترین نشان علمی کشور فرانسه، به من تعلق گرفت. خداوند عالم خیلی رحیم است. بعد از آن همه سختی و مصیبت، حالا اتفاقات خوب و بزرگ یکی یکی از راه می‌رسیدند. فکر کردم که اگر روزهای سخت و

دردناکی در زندگی انسان باشد و در همان حال، با امید تلاش کند و با وجود خستگی و سختی‌ها راه خود را ادامه بدهد، خداوند درهای خوشبختی را به روی او می‌گشاید.

شاید جالب باشد اگر به خاطره‌ای اشاره کنم. این خاطره مربوط به بازگشت مجدد من به دانشگاه پرینستون است. در این دوره انیشتین اجازه داد در کرسی او مشغول تحقیق بشوم! این دیگر برایم باورکردنی نبود. حتی تصورش را هم نمی‌کردم. امکان پژوهش در کرسی استاد مسلم فیزیک جهان برای من در آن روزها بهترین و پیشرفته‌ترین مقام علمی جهان بود. این آرزوی ژرف با ویژگی‌های علمی و اخلاقی، افتخاری بزرگ بود که خداوند نصیب کرده بود. هیچ ثروت و پست و مقامی نمی‌توانست جای یک لحظه آن را بگیرد.

در همان دوره تحقیقاتم در دانشگاه پرینستون، در کنار بهترین استاد جهان و در شرایطی که همه‌گونه امکانات علمی و پژوهشی فراهم بود، یک روز عصر که از آزمایشگاه به خوابگاه می‌رفتم، ناخودآگاه صدای شن‌ریزه‌های خیابان‌های دانشگاه که زیر پایم جا به جا می‌شد، مرا به دوران کودکی برد. صدایی آشنا از روزهای خوش کودکی و از خانه زیر بازارچه قوام‌الدوله در گوشم می‌پیچید؛ صدای شن‌های دور باغچه خانه کودکی؛ صدای شن‌هایی که در چهار یا پنج‌سالگی با آن خیلی آشنا بودم. انگار به خود آمدم، با خودم گفتم: آیا این وظیفه من است که در خارج بمانم و دستم را در سفره خارجی‌ها بگذارم؟ به من چه مربوط است که در این دانشگاه آمریکایی بمانم و دو نفر یا دومیون نفر آمریکایی را باسواد کنم؟ من باید به کشور خودم برگردم. دستم را در سفره خودمان بگذارم و جوانان کشورم را دریابم و با جوانانی که از علم و دانش فرار می‌کنند و درس نمی‌خوانند، دعوا کنم.

یک لحظه از خودم خجالت کشیدم. احساس بدی به من دست داد. خاطرات کوتاه اما شیرین کودکی در آن خانه با حیاط شنی، یاد وطن را در من زنده کرد. همان جا تصمیم گرفتم به میهن بازگردم.^۱

نوع سوّم: سازندگی ایمان جامعه

کارد را به استخوان رسانیده است. دیگر نمی‌شود او را تحمل کنی. بوی تعفن او همه را منگ کرده است. دارد همه جا را به آتش می‌کشد. اینجا دیگر جای مدارا نیست. این طاعون بلاگرفته دارد همه را بیمار می‌کند. باید ریشه‌اش را خشکاند. باید از ریشه جامعه را ساخت تا دیگر دین و ایمان مردم وبا نگیرد. اینجا دیگر باید شمشیرها را از رو کشید.

دیگر برای مردم تفاوت نمی‌کرد یزید و معاویه زمام‌دار باشند یا علی علیه السلام و حسین علیه السلام. هر کس که منافع شخصی آنان را تأمین می‌کرد، به او مایل می‌شدند. امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده شده بود. خطبا تنها به نفع یزید و معاویه دعا و نیایش می‌کردند. فقر بر جامعه سایه افکنده بود. اموال بیت‌المال مسلمانان به جای آنکه صرف رفاه حال مردم و پیشرفت اقتصادی و عمرانی جامعه شود، بیشتر صرف انعام و جوایز و حقوق کلان به طرفداران یزید و معاویه می‌شد. افکار، معارف، علوم، دین و ایمان رو به تزلزل می‌رفت. جامعه به آخرین مراتب انحطاط رسیده بود.

سیدالشهدا علیه السلام می‌فرمودند: سنت پیامبر میرانده شده و از میان رفته و بدعت زنده و رایج شده است؛ نه به حق عمل می‌شود نه کسی از باطل بازداشته می‌شود.^۲

۱. استاد عشق، شرح زندگی دکتر حسینی، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲. کامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۰.

گاه جامعه آن قدر به سمت سیاهی می‌رود که انقلاب و حرکت باید تمام ارکان آن را زیر و رو کند. باید زمین‌لرزه‌ای بیاید تا تار و پود سیاهی و ظلم را از هم بگسلد. گاه این حرکت نیازمند ایثار جان و مال و آبرو است. در روز عاشورا سالار شهیدان ندا سر می‌دهد:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَا أَجِيئُهُمْ إِلَيَّ شَيْءٌ مِّمَّا يُرِيدُونَ حَتَّى
أَلْقَى اللَّهُ وَأَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي»^۱

به خدا سوگند به خواسته‌های این مردم پاسخ موافق نمی‌دهم
تا خدا را دیدار کنم، در حالی که رنگین به خونم باشم.

آری، گاه بالندگی و سازندگی جامعه نیاز به خون و آبرو دارد. برای تحقق انتظار باید از آبرو گذشت و جان و مال را تقدیم دوست کرد. در این راه، نوشیدن پیمانۀ شهادت هویت جامعه انتظار را ریشه‌دارتر و ترک آبرو و مال، رشد و بالندگی را برای منتظران عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌نماید.

داستان شیخ

بعضی‌ها می‌گفتند: حکومت باید بر پایهٔ دموکراسی باشد، اما شیخ می‌گفت: حکومت باید مشروطهٔ مشروعه باشد. وضعیت شهر وخیم بود؛ مشروطه‌طلبان شهر را زیر آتش خود گرفته بودند. اما شیخ فقط به مشروطهٔ مشروعه باور داشت. او مشروطیت غربی را دامی برای انحطاط جامعهٔ ایران می‌دانست.

ملازم شیخ می‌گوید: آن روز در خانه فقط من بودم و میرزا عبدالله واعظ و آقا حسین قمی و شیخ خیرالله و همین. آن روزها آقا مریض بود. روز چهارم، آقا همگی را صدا کرد و گفت: «عزیزان من! این‌ها با من کار

۱. سمو المعنى فى سمو الذات، ص ۱۱۸.

دارند نه با شما. این خانه مورد هجوم اینها خواهد شد. از شما هم هیچ کاری ساخته نیست.» همگی بعد از کمی آه و ناله رفتند. عرض کردم: آقا! من دو چیز به عقلم می‌رسد: یکی اینکه در خانه‌ای پنهان شوید و بعد مخفیانه به عتبات بروید. آنجا در امن و امان خواهید بود. بسیاراند کسانی که با جان و دل، شما را در خانه‌شان منزل دهند. فرمود: «این که نشد. اگر من فرار کنم، اسلام رسوا می‌شود.»

گفتم: دوم اینکه مثل خیلی‌ها بروید به سفارت روس پناهنده شوید.

آقا تبسم کرد و گفت: شیخ خیرالله! برو و بین زیر منبر چیست.

شیخ خیرالله رفت و از زیر منبر یک بغچه قلم کار آورد.

فرمود: بغچه را باز کن. باز کرد. چشم همه ما خیره شد. دیدم یک

بیرق خارجی است. فرمود: حالا دیدید، این را سفارت روس فرستاده که

من بالای خانه‌ام بزنم و در امان باشم. اما رواست که من پس از هفتاد

سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده‌ام، حالا بیایم و بروم زیر بیرق

کفر!

شیخ را گرفتند و بردند به زندان و بازجویی کردند: شیخ فضل‌الله در

پاسخ بازجویی گفت: «من تنها به وظیفه اسلامی عمل کردم. غرض من

این است که بگویم مشروطه‌ای که با پناه بردن به اجنبی پیش برود،

پیروزی‌اش را هم مستبدین جشن می‌گیرند...» اما حرف‌های شیخ

فایده‌ای نداشت. دستور دادند تا او را به میدان توپخانه ببرند.

گفتند: وصیتی نداری؟

گفت: من نماز ظهر را خوانده‌ام، نماز عصرم مانده است.

گفتند: این مردم کارهای مهم‌تر از نماز تو دارند. بیهوده نباید آنها را

معطل گذاشت.

در میدان توپخانه جمعیت مرد و زن موج می‌زد. از فرط ازدحام جا برای

تازه‌واردها نبود. عده‌ای زارزار گریه می‌کردند و عده‌ای فقط اشکشان جاری بود. عده‌ای هم بهت‌زده چشم به راه آمدن شیخ بودند. دسته‌موزیک نظامی در کنار میدان نوای «آقشام» را می‌نواخت. هوا گرم و کثیف و غبارآلود بود.

پیرمرد هفتادساله عصازنان وارد شد. نگاهی پرمعنا به جمعیت انداخت و آنگاه سر به آسمان بلند کرد و این آیه را تلاوت نمود: «وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۱ و به طرف دار راه افتاد.^۲ جلال آل احمد پیکر به دار آویخته شیخ شهید را این‌گونه تصویر می‌کند: «من نعش آن بزرگوار را بر سر دار همچون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلای غرب‌زدگی، پس از دویست سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد.»^۳

۱. کار خود را به خدا وا می‌گذارم، که خداوند به بندگان خود بیناست. سوره غافر، آیه ۴۴.
۲. مهدی انصاری، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، رویارویی دو اندیشه، صص ۳۴۴ تا ۳۶۷.
۳. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۲، ص ۴۰۲.

خودآزمایی

۱. اکنون به چه طریقی می‌توان به سازندگی و بالندگی جامعه کمک کرد؟
۲. انواع سازندگی را توضیح دهید؟

برای مطالعه بیشتر

– انتظار پویا، محمدمهدی آصفی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، قم.

درس هشتم

جامعه منتظر

آنچه در این درس می‌خوانیم:
- شاخصه‌های جامعه انتظار

سر آغاز

اگر همه قطعه‌های ماشین سر جایشان قرار گرفتند، آن وقت تنها با یک استارت، چرخ‌های اتومبیل حرکت می‌کند.

اگر تسمه و نقاله و بلب‌رینگ‌های دستگاه تراشکاری خوب آب‌بندی شده باشد، آن وقت می‌توان قطعات صنعتی را تولید کرد.

اگر خیاط شهر پارچه‌ها را خوب برش داده باشد، آن وقت می‌تواند یک کت و دامن شیک برای مشتری‌هایش بدوزد.

اگر اضطرار به ولی خدا در دل و جان آدمی ایجاد شود، اگر فقر به ولی خدا آدمی را به حرکت وادار سازد، اگر حرکت‌های انسان بر اساس ورع، تقوی، ملاک‌ها و قوانین الهی باشد، اگر اندیشه، احساس و رفتار آدم، او را به صلاح، رشد و بالندگی برساند، آن وقت انتظار در او محقق می‌شود.

چنین انسانی معنای جدایی از محبوب و مطلوب واقعی را با سلول سلول وجود خویش درک می‌کند. صبر و استقامت در برابر سختی‌ها و نامالایمات و ابتلاهای عصر غیبت در او نهادینه می‌شود. او لحظه به لحظه مهیا برای نقش‌آفرینی در جامعه ظهور می‌گردد. اگر ارکان انتظار در آدم نهادینه شود، آثار بسیاری در فکر و روح انسان باقی می‌گذارد.

شاخصه‌های جامعه منتظر

جامعه انتظار دارای این شاخصه‌ها (ارکان) می‌باشد:

شاخصه اول: فرصت‌ساز

پدر و مادر از دستش ذله شده‌اند. برای یک نان خریدن آن قدر معطل

می کند تا آنکه ناوایی تعطیل می شود. آن قدر امروز و فردا می کند تا تمام فرصت‌هایش می سوزد. او دچار بیماری تسویف شده است.

تسویف‌گران کسانی هستند که کارهایشان را به تأخیر می‌اندازند. چنین آدم‌هایی فرصت‌ها را می‌سوزانند. استعداد چنین انسان‌هایی را کد و بی‌مصرف می‌شود. انسان‌های تسویف‌گر شاید دوستدار پیشرفت باشند، اما تأخیر حرکت‌ها و اقدام‌های چنین انسان‌هایی به جامعه ضربه می‌زند. آنان در آخرین لحظات به یاد حرکت می‌افتند، اما چنین حرکتی همراه با عجله و دور از پختگی و عقلانیت است.

از آثار انتظار عدم تسویف می‌باشد. جامعه انتظار از هر لحظه برای حرکت مدد می‌جوید. فرصت‌سوزی و عجله در جامعه انتظار راه ندارد. جامعه انتظار، سریع، عاقل، پخته و فرصت‌ساز است.

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از یاران خود می‌فرماید:

«فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِكَ، وَ لَا تَقْلُ: غَدًا وَ
بَعْدَ غَدٍ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَيَّ
الْأَمَانِيِّ وَ التَّسْوِيفِ، حَتَّى آتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَ هُمْ
غَافِلُونَ»^۱؛

آنچه را از عمر تو باقی مانده است، دریاب و مگو: فردا و پس فردا، زیرا پیشینیان تو به سبب تکیه کردن به آرزوها و امروز و فردا کردن هلاک شدند؛ چرا که فرمان خدا (مرگ) ناگهان این غافلان را در رسید.

شاخصه دوم: تلاش و پویایی

از رتبه ممتاز کنکور پرسیدند چه رشته‌ای را انتخاب می‌کنی؟ گفت:

مهندسی صنایع پرسیدند: چرا؟! آیا به این رشته علاقه داری؟ نگفت علاقه ندارم، نگفت می‌خواهم مهندس شوم، نگفت می‌خواهم استاد دانشگاه شوم، نگفت...، بلکه او هدف عالی‌تری را برای خود ترسیم کرده بود، گفت: برای این مهندسی صنایع را انتخاب کردم که وقتی حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کردند، خیالشان راحت باشد که یک مهندس صنایع به جامعه ایشان خدمت‌رسانی می‌کند.

آن کس که تمامی کارهایش را متصل به ولی خدا می‌داند، دائماً در حال تلاش و پویایی است. مطالعه، کنکور، کسب و کار، کسب دانش و فن‌آوری، پویایی و تلاش از شاخصه‌های جامعه انتظار است. در جامعه انتظار کسی دست روی دست نمی‌گذارد؛ هیچ کس در گوشه و کنار کز نمی‌کند. همه به پیشرفت می‌اندیشند؛ امروز را بهتر از دیروز می‌سازند. از آثار انتظار راستین تلاش و پویایی است.

شاخصه سوّم: آمادگی

ترازوی کاسب بازار عطر انتظار می‌دهد. او کم‌فروشی نمی‌کند. آزمایشگاه فیزیک و شیمی از شکوفه‌های انتظار سرمست است. در این آزمایشگاه، آدم‌ها موش آزمایشگاه نیستند. میکروسکوپ‌ها به دنبال خدمت و عافیت انسان‌ها چشم می‌چرخانند. کارخانه و کارگاه، لوازمی تولید نمی‌کنند که بوی تجمل و اسراف دهد. عطر انتظار با اسراف و تبذیر سازگاری ندارد. در جامعه انتظار همه مہیای ظهور هستند. روز و شب دلشان را آب و جارو می‌زنند تا برای غایب از نظر آماده باشد. آمادگی برای ظهور روز و شب نمی‌شناسد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ — عَزَّ وَ جَلَّ — وَ

أَرْضِي مَا يَكُونُ عَنْهُ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ
يُظْهَرْ لَهُمْ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ فَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ، وَ
هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَا تَبْطُلُ حُجَجُ اللَّهِ وَ لَا
بَيِّنَاتُهُ فَعِنْدَهَا فَلْيَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً^۱

نزدیک‌ترین حالت بنده به خدای - عز و جل - و بیشترین
خشنودی او از بنده در وقتی است که بندگان حجت خدا را گم
کنند و برایشان آشکار نشود و از آنان پوشیده بماند، پس جای
او را ندانند و در عین حال می‌دانند که دلایل و نشانه‌های
الهی از بین نمی‌رود. پس در چنین وقتی باید هر صبح و شام
منتظر فرج باشند.

نکته یک: انتظار و نزدیک شمردن ظهور، یک حالت قلبی است و
حکایت از یقین و باور قطعی انسان نسبت به وعده ظهور امام عصر عجل
الله تعالی فرجه الشریف دارد.

نکته دو: روشن نبودن زمان انتظار باعث می‌شود که منتظر هر لحظه
مهمیای ظهور شود و روز و شب در انتظار فرج لحظه‌شماری کند.
نکته سه: بر اساس روایت «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۲ انتظار به
معنای عمل است. پس انتظار در اعمال منتظران جامعه انتظار موج
می‌زند.

نکته چهار: آمادگی برای ظهور در اعمال منتظر، مشهود است. آمادگی
یعنی انجام عمل بر اساس تقوی و پرهیزگاری.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ

۱. کمال الدین، باب ۳۳، ج ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

لِيَعْمَلَ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ^۱

هر کس از شما بخواهد منتظر امر امامت باشد، باید در همان حال که انتظار می‌کشد، با ورع و حسن خلق عمل کند و به حال انتظار بماند.

شاخصه چهارم: امیدوار

انوشیروان بزرگمهر را در سلول تاریکی زندان کرد و دستور داد تا دست و پای او را با غل و زنجیر آهنین به هم ببندند. وزیر دانشمند مدتی در سخت‌ترین شرایط در گوشه زندان به سر می‌برد. روزی پادشاه کسی را نزد او فرستاد تا از حالش باخبر شود. برخلاف انتظار، روحیه بزرگمهر پرنشاط و مطمئن بود. پس مأمور با تعجب پرسید: ای حکیم! در این شرایط نامساعد گرفتار شده‌ای، اما چگونه خرم و آسوده‌خاطر هستی؟ بزرگمهر جواب داد: معجونی ساختم که از شش دارو ترکیب شده است. چون آن را به کار می‌برم، این‌گونه پرنشاط و آرام می‌شوم. مأمور گفت: آن دارو را به من هم بیاموز. بزرگمهر گفت: ۱. اینکه بدانی از سرنوشت و مقدرات الهی گریزی نیست. ۲. راضی بودن به قضای الهی ۳. شکیبایی و ورزیدن ۴. جزع و بی‌تابی نکردن ۵. اینکه بدانی شرایطی سخت‌تر و طاقت‌فرساتر از این شرایط هم در این عالم وجود دارد. ۶. امید به نجات و رهایی^۲

توکل به پروردگار، امید را در زندگی افزون و صبر و شکیبایی، بی‌تابی و ناامیدی را از آدمی دور می‌سازد. تحمل شرایط سخت و تصور شرایط

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۶.

۲. برگرفته از تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی دبیر، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات زریاب، تهران ۱۳۷۸، ج ۲، صص ۴۷۲ تا ۴۷۵، با تلخیص و تصرف.

سخت‌تر، شکر را بر دل و زبان جاری و امید به رهایی را در قلب و روح آدمی ساری می‌سازد.

امید، خردمندانه‌ترین گزینه برای ادامهٔ حیات آدمی است. امید سازنده است نه سوزاننده؛ آرامش‌بخش است نه نگران‌کننده؛ خوش‌بینی است نه خوش‌خیالی؛ آفریننده است نه تخریب‌کننده. گوهر امید، استعدادهای آدمی را آشکار می‌سازد و شکیبایی را در انسان تقویت می‌نماید. اما ناامیدی، امیدهای افراطی و خوش‌خیالی سبب تخدیر و خمودی و رکود انسان می‌شود.

انسانهای بزرگ و مصلحانی که در پی بالندگی جامعهٔ انسانی بوده‌اند و بلندی مرتبت آدمیان را می‌جستند، با امیدواری تمام، قلله‌های بلند خوشبختی را ترسیم می‌کردند و آرمان‌های خویش را در اختیار جوامع می‌گذاشتند. افلاطون «مدینهٔ فاضله» را ترسیم کرد؛ تامس مور، فیلسوف انگلیسی، «آرمان‌شهر» یا «یوتوپیا» و شهاب‌الدین سهروردی «ناکجا آباد» را تصویر کرد.

«دولت کریمه» بلندترین قلّه خوشبختی برای منتظر است. منتظر در انتظار رسیدن به آن لحظه‌شماری و با حرکت و اقدام خود، به سوی آن شتاب می‌ورزد:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا
الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا
فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ»؛

پروردگارا! به تو امیدوارم تا دولت کریمه‌ای که عزت اسلام و مسلمانان را در پی دارد و سبب خواری نفاق و دورویان است ظاهر سازی. و ما را در آن حکومت از دعوت‌کنندگان به بندگی خود و پیشوایان راهت قرار دهی.

خودآزمایی

۱. تسویف چیست؟ نمونه‌هایی از تسویف در زندگی را بیان کنید.
۲. چه رابطه‌ای بین انتظار و آمادگی وجود دارد؟
۳. فرق بین امید واقعی و امید کاذب را بیان کنید.

برای مطالعه بیشتر

- درس‌هایی از انقلاب، انتظار، علی صفائی حائری، انتشارات لیله القدر،

قم.

درس نهم

اشارات و تفریباتها

آنچه در این درس می خوانیم:
- آسیب شناسی انتظار

سر آغاز

«به گمان بعضی آغاز بت‌پرستی در میان فرزندان اسماعیل پیامبر علیه‌السلام چنان بود که هر وقت کسی می‌خواست از مکه بیرون رود، سنگی از سنگ‌های حرم را به منظور تعظیم حرم با خویش برمی‌داشت و چون در منزلی فرود می‌آمد، همان سنگ را بر زمین می‌نهاد و گرد آن طواف می‌کرد. این کار مقدمه‌ای شد تا هر سنگ زیبایی را پرستش کنند و به جای دین ابراهیم علیه‌السلام و اسماعیل علیه‌السلام به گمراهی و بت‌پرستی افتادند.»^۱

حکایت بالا پند بزرگی برای آدم‌ها است. قوانین و سنت‌های الهی تا زمانی که از چشمه زلال و بی‌پیرایه وحی گرفته شود، عقل و دل آدمی را نورانی می‌کند. هرگاه قوانین پروردگار دستخوش سلیقه‌های شخصی شود، رو به انحراف می‌رود. افراط‌ها و تفریط‌ها بلای جان انسان‌های امروز و دیروز است.

انتظار واقعی زمانی محقق می‌شود که آلوده به سلیقه‌ها، افراط و تفریط‌ها، جهل‌ها و غفلت‌ها نشود. این نوشتار به بررسی آسیب‌های انتظار می‌پردازد.

آسیب‌شناسی‌های انتظار

آسیب اول: خواب‌زدگی

اکثر خواب‌های بشر حاصل توهم‌ها و تخیل‌ها، شادی‌های خاطره‌انگیز

۱. دکتر محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۷.

زندگی، غصه‌ها و گرفتاری‌ها، ترس‌ها و دلهره‌ها است که در طول روز(ها) برای آدمی به وجود آمده است.

برخی انسان‌ها بیش از اندازه به رؤیا اهمیت می‌دهند، حال آنکه پدیده رؤیا امر ملموس و قابل تحلیلی برای انسان نیست. پیچیدگی روح آدمی باعث شده تا دانشمندان نتوانند به زوایای پنهان رؤیا دست پیدا کنند.

تنها رؤیای صادقانه (صادقه) است که حقیقت دارد. تعداد اندکی از خواب‌های آدمی از نوع رؤیای صادقانه می‌باشد. رؤیای صادقانه در شرایط خاص و زمان‌های معلومی حاصل می‌شود. گاه اعتقاد افراطی به خواب باعث می‌شود تا برخی تنها راه ارتباطی خویش با امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را رؤیا بدانند. این موضوع آسیب‌های زیر را به دنبال دارد:

- منتظر همه شخصیت امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را همان می‌انگارد که در خواب دیده است.^۱

- منتظر همه پیوند و ارتباط خود را با حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تنها در رؤیا می‌داند. چنین انسانی رؤیای دیدار را هدف می‌پندارد، حال آنکه رؤیای دیدار ولی خدا هدف نیست، بلکه تنها برای عده‌ای شرف است. دیدار زمانی به انسان شرافت می‌دهد که آدمی را به رشد برساند. بسیاری در رؤیا و بیداری به دیدار ولی خدا نائل آمدند، اما از این دیدار بهره‌ای نبردند.

آسیب دوّم: تشرف‌زدگی

عادی و پیش پا افتاده پنداشتن تشرف به محضر ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف از دیگر آسیب‌های انتظار است. این آسیب زمانی بروز می‌کند که:

۱. پرچم برافراشته، ص ۷۰.

- داستان‌های تشریف به صورت افراطی در محافل و مجالس تعریف شود.

- بدون تحقیق در درستی تشریف‌ها و بدون پژوهش در راستی مستندات این حکایت‌ها و بسنده کردن به شنیده‌ها و نقل قول‌ها، به تعریف داستان‌های تشریف پرداخته شود. گاه اتفاق افتاده است که پس از تحقیق حکایات تشریف، معلوم می‌شود که شخصیت‌های مورد حکایت وجود خارجی نداشته‌اند و یا آنکه یک داستان به صورت‌های مختلف و گاه متناقض تعریف شده است.

- نگاه افراطی به تشریف‌ها باعث می‌شود که تشریف در نزد محبتان حضرت به هدف تبدیل شود، حال آنکه زیارت ولیّ خدا هدف نیست، بلکه تنها برای برخی شرف است. ابولهب‌ها و ابوجهل‌ها به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله نائل آمدند، اما شرافتی نیافتند. اویس قرن بی آنکه به زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نائل آید، دل به دوست بست و به کمال دست یافت.

آسیب سوّم: عاطفه‌زدگی

پرورش افراطی بعد عاطفی در بحث انتظار و مهدویت، یکی از آسیب‌های جدی جامعه انتظار است. این روش به مرور زمان، معرفت و عمل را به حاشیه می‌راند. گاه در جشن و سرور نیمه شعبان این نگاه افراطی مشهود است. مراسم‌های صرفاً احساسی که گاه با لهو و لعب و گناه و ناپاکی همراه می‌شود، نتیجه چنین رویکردی می‌باشد.

با نظر کردن به سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌هایی که به موضوع انتظار می‌پردازند، این پدیده فراوان دیده می‌شود. رسوخ عاطفه‌زدگی در زندگی، نوعی لایابالی‌گری و بی‌تفاوتی نسبت به عمل و رفتار به وجود می‌آورد.

آسیب چهارم: پیش‌گویی وقت ظهور

عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در باب علائم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. تطبیق روایات بر حوادث، آفت و آسیب نمی‌باشد، بلکه صرف خواندن یک یا دو روایت، بدون بررسی آیات و روایات و وقایع تاریخی و بدون آگاهی از روایات صحیح و سقیم به تفسیر آن روایت و تطبیق آن با حوادث پرداختن آسیب است.^۱

به تحقیق، زمان ظهور آن حضرت ناپیداست و تنها خدا یا کسانی از آن آگاه‌اند که خداوند علم به آن را در اختیارشان گذاشته است. در برخی روایات، معصومان زمان ظهور حضرتش را چونان گاه برپایی قیامت دانسته و بدین سان بر ناپیدایی آن تأکید ورزیده‌اند؛ «إِنَّمَا مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۲

زمان ظهور آن حضرت از اسرار الهی است و گمانه‌زنی درباره آن نه تنها عمل بی‌اساسی است، بلکه امامان معصوم از آن نهی فرموده‌اند. فهرم از امام صادق پرسید: فدایت شوم! به من خبر دهید از این امر (ظهور فرج) که منتظر آن هستیم، چه وقت می‌باشد؟ حضرت پاسخ دادند:

«يَا فَهْرَمُ! كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ

نَجَى الْمُسْلِمُونَ»^۳

تعیین‌کنندگان وقت دروغ می‌گویند و شتاب‌کنندگان هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند.

۱. پرچم برافراشته، ص ۱۳۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۱.

۴. غیبت نعمانی، باب ۱۶، ج ۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵. آیت‌الله جوادی آملی، امام مهدی، موجود موعود، ص ۲۳۳.

وظیفه منتظر، تسلیم شدن نسبت به تقدیرات الهی در مورد وقت ظهور است و در عین اینکه باید هیچ صبح و شام از ظهور امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف ناامید نباشد و آن را قلباً نزدیک بشمارد، باید به شتابزدگی نیفتد و خود و دیگران را به هوای نزدیک بودن ظهور، به اشتباه و انحراف نکشاند.

بنابراین به طور کلی نباید نزدیک شمردن ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را با پیش‌گویی درباره وقت ظهور اشتباه کرد. نزدیک شمردن وقت ظهور ممدوح و پیش‌گویی در مورد وقت ظهور ناپسند می‌باشد.^۱

۱. سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر، ص ۲۷۶.

خودآزمایی

۱. بعضی از آسیب‌های انتظار را بیان کنید؟
۲. علاوه بر آنچه در این درس آمده، چه آسیب‌های دیگری در نگاه افراطی به رؤیا و تشریف وجود دارد؟
۳. عاطفه‌زدگی چه پیامدهایی دارد؟
۴. چه فرقی میان پیش‌گویی امر ظهور و نزدیک شمردن آن وجود دارد؟

برای مطالعه بیشتر

- تنها برفراز، یحیی صالح‌نیا، مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان، قم

.۱۳۸۸